

ارگان مرکزی

۱۳ آبان

—ازبان دانشجویان و دانش‌آموزان پیکار—

سال دوم - شماره ۷ - پنجشنبه ۳ فروردین ۶۰ - بهار ۱۵۰۰ ریال

زنده باد اول ماه مه زنده باد کمونیسم

در سالگرد اول اردیبهشت، رژیم جمهوری
اسلامی تظاهرات دانشجویان کمونیست
را بخاک و خون کشید



رفیق کمونیست پیکارگر شهید آذر مهرعلیان



رفیق کمونیست پیکارگر شهید ایرج توایی

سرمقاله با تداوم مبارزه انقلابی
برای بازگشایی دانشگاهها راه سرخ شهدای
انقلابی و کمونیست اول اردیبهشت را
ادامه دهیم

در مراسم گرامیداشت حماسه قهرمانانه اول اردیبهشت
دو کمونیست پیکارگر بشهادت رسیدند!

یورش مغول وار مزدوران رژیم جمهوری اسلامی
به زحمتکشان گرمدره

صفحه ۱۷



اول اردیبهشت، لکه‌نگ دیگر بردامن رژیم است

بقیه از صفحه ۱ - سرفاله ...

کارگران وزحمتکشان (دانشجویان انقلابی و کمونیست)

یکسال از بیگانه خویش و دلاوران... دانشجویان انقلابی و کمونیست در اول اردیبهشت در هدایتی با دشمنان انقلاب و جلادان توده ها، یکسال از مقاومت و دفاع قهرمانانه دانشجویان اردانشگاه این سگتر آزادی و آگاهی و بالاخره یکسال از هجوم و خشیانه و دشمنانه حاکمانان جمهوری اسلامی با این آتشگاه همیشه تله دور بیگانه رومقاومت در برابر امپریالیسم و ارتجاع میگذرد.

دانشگاه در طول حیات خوش منتهی خارجی در چشم حکومتی ارتجاعی بوده است. دانشگاه را بسا آوارده همراه... دانشجویان انقلابی و کمونیست در روزهای تاریک خفان آریا مهری، در ۱۶ آذر ۱۳۳۲ در تظاهرات علیه گرانی بنیاد انوسوس در تظاهرات شب هفتم و چهلم جهان بهلوان تختی در ۱۳۴۶ دانشگاه و دانشجویان انقلابی و کمونیست را بسا آوارده و در دوران هردم فزاینده همیشه توده ای در قفسل از قیام دانشگاه و دانشجویان انقلابی و کمونیست را بسا آوارده و آنگاه که "حاکمان نورسیده" به یمن بارش با امپریالیسم براریکه قدرت تکبیر زده و کمه میت به بساز بازی سیستم پوسیده بر ما به داری وابسته و سرکوب سی امان کارگران، زحمتکشان و خلقهای قهرمان ایران، بستند که چگونه همیشه عرصه ای برای گسترش آگاهی، سنگری در دفاع از آزادی و مقاومت در برابر امپریالیسم و ارتجاع بوده اند. بسا آوارده و آنگاه این دژ آزادی و آگاهی را که هیچگاه در دستگیر با ارتجاع از پسای نشسته و به بیگار خود دلاوران را داده و میدهد.

اما چگونه ممکن بود جلادانی که حکومت خود را بر توهمن آگاهی توده ها استوار ساخته بودند از برپایی چنین دژی هراسناک نشوند و به نا بودی آن همت نگمارند؟ چگونه ممکن بود جنايتكارانی که از همان فردای قیام کارگران را در کارخانه ها، دهقانان را در روستاها و خلقهای کبیر ایران را در دشت و کوه و خشیانه کشتار و سرکوب مینمودند از افشای جنايات خویش در نزد توده ها بوحشت نیافتند؟ چگونه

دستی خود را با زحمتکشان از همان فردای قیام اعلام کرده بودند از یاتین بسازر آگاهی و روشنی که آتش به خرمن عوام فریبیهای آنان میزد به توتاب میفتند؟ آنان نشان همه دشمنان انقلاب و توده ها بیان همه مرتحان تاریخ نیک مدانستند که حاکمیت آنان در نا بودی هرگونه آزادی برای کارگران و زحمتکشان و توده های انقلابی در نا بودی هرگونه امکانات افنا گریخ بر علیه خود میتوانند برقرار گردید پس چگونه ممکن بود در خمیان جمهوری اسلامی که دشمنان با مرتفع به خون کارگران و زحمتکشان و روشنفکران انقلابی این مرتز و بوم آغشته است در کار خلود نا هدیای سرحایی مکانی باشند که ما هیبت ددمنستانه و جنايتكارانه آنان را رسوا سازد؟ رژیم حاکم یک میدانده که وجود آتشکده شعله ور آزادی و آگاهی حاکمیت سنگین او را به خطر میاندازد، پس در تدارک خاموش ما خشی این آتشکده بر میخیزد. و چنین بیگار خونین اول اردیبهشت شکل میگیرد.

در این دوران از سویی با فرارسیدن تاسفان که لاجرم دانشجویان انقلابی شکل خود را در دانشگاهها تا حدود زیادی از دست میدهند رژیم فرست خوبی میباید تا با یک یورش این مراکز آگاهی انقلابی و مبارزه علیه ضد انقلاب را به تعطیلی ختاند. حزب جمهوری اسلامی که رفته رفته میروند تا با استفاده از عوام فریبیها پیش و توهن توده ها، مجلس، دولت و قوه قضائیه را بسود خود و بر علیه رفیق ارتجاعی اش یعنی لیبرالها (بازگان وینی صدر و...) در دست بگیرد، توطئه ای برای بستن دانشگاهها را نیز تدارک میببیند. حزب جمهوری اسلامی از سویی با استفاده از نیروی وسیعی که در دستگا های دولتی می باید قدرت را در برابر لایحه میکند و از طرف دیگر میگویند تا با یک یورش و سرکوب نیروهای انقلابی و کارگران و زحمتکشان زمینه استکام خود را فراهم آورد. آیت خاش رهبری نقشه یورش بدانشگاهها را بر عهده میگیرد. آنان تصمیم میگیرند (همان طور که بعدها بنویسند) تواریت کشف شد (دفا سرحایی را بنویسند) انجمنهای اسلامی (مزدوران و جاسوسان خود در دانشگاهها) نما بند و با این ترتیب بدانشگاهها را نیز از

گرفتن هژمونی قدرت از رقیب مقابل جلو اندازد. یورش اول بدانشگاه در تبریز در ۲۷ فروردین ماه آغاز میشود. رفته رفته در تبریز سخنرانی میکند و بدانشگاه و دانشجویان انقلابی و کمونیست میاندازد. سپس امریانه ای بدست انجمنهای اسلامی و سایر مردوران حزب جمهوری اسلامی میدهد که به فتح دعا ترسیاسی بپردازند. توطئه آشکار میشود. رژیم حاکم از یک سو عملیات و خشیانه خود را به گردستان قهرمان این قلب همیشه تبینده انقلاب آزاد میکند و از سوی دیگر فکر اشغال دانشگاه از بسن بردن دعا ترسیاسی بر میخیزد تا از رسیدن آگاهی به توده ها جلوگیری نماید. "لیبرالها" عقب میمانند. بنی صدر خاش میگوید به هر توده خود را "پیتاناز" یورش و سرکوب نماید. "لیبرالها" به سرگردگی بنی صدر سخاوتند اس سرکوب را در چهار چوب قانون انجام دهند.

بنی صدر میگوید: "خفته به مراکز سازمانهای سیاسی (یعنی بنویسند) انجمنهای اسلامی و مزدوران "حزب جمهوری اسلامی" (اطلاعات اول اردیبهشت ۵۹) است پس چه باید کرد؟

ادامه میدهد: "من فکر میکنم ولایری اینکار موقع مناسبی با دیدید اکسورد و دیگران سکه وحدت رهبری نبا بداد دست برود و دولت با بدانشگاه را بکند" (تا کبند از ماست - انقلاب اسلامی اول اردیبهشت ماه ۵۹)

بنا بر این بنی صدر که خود را از مهر که عقب میببیند میخواند هدیای مطرح کردن نقش دولت و تعیین "موقع مناسب" استکبار عمل را خود بدست بگیرد. بنی صدر در ۳۰ فروردین روشن میکند که اختلافی بسا جزئیها تنها بر سر شیوه کار است: "وقتی در هدف وحدت و در روش اختلاف وجود دارد روشی با دیدید اگر گرفته شود که مسئولان منتخب و قانونی مردم پیشنهاد میکنند."

پس روشن است که دو جناح و در یک کلام کل رژیم جمهوری اسلامی بر سر سرکوب دانشجویان انقلابی و زحمتکشان و وحدت نظر دارند تا در چگونگی و شیوه سرکوب اختلاف نشان میدهند و تا از زاویه دید بنی صدر "رهبری" سرکوب را باید مسئولان

دوره اسام گرامیداشت حماسه قهرمانانه اول اردیبهشت

دو کمونیست پیکارگر بشهادت رسیدند

به مناسبت سالگرد اول اردیبهشت ، روز پیکار خونین دانشجویان انقلابی و کمونیست در دفاع از دانشگاه های سنگر همیشه تنیده آزادی ، تظاهراتی از سوی سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار در ساعت ۲/۳۰ بعد از ظهر دو شب سه ۳۱ فروردین برپا شد .

تظاهرات ، با شکره خامی با شعار اتحاد مبارزه پیروزی از ابتدای خیابان آنا تول فرانس (قدس) آغاز شد و به سمت میدان انقلاب حرکت خودا داده داد .

موج عظیم هواداران و توده های مردم با آوار حماسه قهرمانانه اول اردیبهشت روز مقاومت دانشجویان انقلابی و کمونیست از سنگرهای آزادی و آگاهی بود .

با زوان بهم پیوسته ، زنجیر شده بودند برای حفاظت از صف تظاهرات کنندگان ، جمعیت در صفوف منظم و با مشت های گره کرده شمار میدادند : « دانشجوی مبارز ، بهمت توده ها ، سنگر خود را بگشا » - « علیه حزب جمهوری ، علیه لیبرالها ، بزنده با دیکتاتور توده ها » .

جمعیت به درب اصلی دانشگاه نزدیک میشود ، مزدوران و قداره بندان جمهوری اسلامی شاگهان با میله های آهنین بلند به جمعیت حمله میکنند ، تعدادشان معدود است ، جمعیت آنها ترا به عقب میرانند ، یکی از مزدوران ، گولت میکند ، جمعیت هم چنان استوار برافش ادا می دهد ، مزدور رژیم کلتش را از وحشت پنهان میکنند .

جمعیت همچنان با مشت های گره کرده شمار میدهد و به پیش میرود ، شورش و شوقی عجیب

موج میزند ، قداره بندان رژیم خاکم از این همه استواری ، از این همه روحیه انقلابی بوخت می افتند ، با همان میله های آهنین جلوی درب دانشگاه صف میکنند ، جرات نزدیک شدن به صف را ندارند ، چگونه ممکن است در مقابل چنین آتش خشی ، از خود حرکت نشان دهند ؟ آنگاه آنان زبونند و در برابر آوازه و اهدو مستحکم توده ها مستاصل هر لحظه فریادها بلندتر و جمعیت افزون تر میشود ، از دست فالانزها هیچ کاری بر نمی آید ، مزدوران آهن بدست به عقب رانده میشوند ، در همین حال است که آخرین حرکت مذبحها نشان را سازمان میدهند .

مزدوران رژیم ، نارنجک دست سازی را به سوی جمعیت پرتاب میکنند و با به فرار میگذارند ، نارنجک که تعداد دیشماری با چمه با خود حمل مینمود ، همانجا پیکارگر کمونیست را بر زمین می افکند ، شکم و سر و صورت دریده شده بر زمین می افتد .

مردم به کمک میشتا بند و زخمیها را از صحنه خارج میسازند ، خشمی حراس وجود جمعیت را میگیرد ، به هم فشرده میشوند ، بهم گره میخورند ، مشتها گره کرده ، فریادها بلند ، علیه حزب جمهوری ، علیه لیبرالها ، بزنده با دیکتاتور توده ها ، دانشگاه های سنگر

انقلاب ، بهمت توده ها گشوده با یکدیگر در پی راههای خون آلود فرقی زخمی ، برچی میشود در دست جمعیت ، یکی از رفقا با دستهای خون آلود بر شاخه جمعیت افشاگر جنایت رژیم است ، مسیر تظاهرات تغییر میکند ، به سمت چهار راه مصدق بر آه می افتند فالانزها هیچ حرکتی از خود نشان نمیدهند تنها با میله های آهنین بلند خود در جلوی درب دانشگاه مانده اند و وحشتی سراپتای آنها ترا فرا گرفته است در برابر برو حیسبه ای این چنین مقاومت جویا نه و مستحکم چه چاره ای دار ، رد جز لرزیدن بخود ؟ رویزیو -

خیستهای اکثریتی یکشان می آیند ، به مردم میگویند : از این محل دور شوید ، بهاز همبست می اندازند ، اما حرکت توده های کثیری از مردم که به صف تظاهر کنندگان می پیوندند دست محکم می شود برده مان

دهها نفر زخمی میشوند ، حماسه نبرده قهرمانانه اول اردیبهشت با رد پیکار جلوی چشمها به حرکت در می آید ، با زهم شهادت ، مقاومت و مبارزه ، زیرا که مساب پیکارگران راه شرح طبقه کارگریم .

تعداد وسیعی از رفقا زخمی شده اند ، شورش عیبی جریان دارد ، صف تظاهرات مزدوران را فراری داده و چندین نفر را کشته دستگیر میکنند ، شدت به تشبیه میرساند .

مردم به کمک میشتا بند و زخمیها را از صحنه خارج میسازند ، خشمی حراس وجود جمعیت را میگیرد ، به هم فشرده میشوند ، بهم گره میخورند ، مشتها گره کرده ، فریادها بلند ، علیه حزب جمهوری ، علیه لیبرالها ، بزنده با دیکتاتور توده ها ، دانشگاه های سنگر

انقلاب ، بهمت توده ها گشوده با یکدیگر در پی راههای خون آلود فرقی زخمی ، برچی میشود در دست جمعیت ، یکی از رفقا با دستهای خون آلود بر شاخه جمعیت افشاگر جنایت رژیم است ، مسیر تظاهرات تغییر میکند ، به سمت چهار راه مصدق بر آه می افتند فالانزها هیچ حرکتی از خود نشان نمیدهند تنها با میله های آهنین بلند خود در جلوی درب دانشگاه مانده اند و وحشتی سراپتای آنها ترا فرا گرفته است در برابر برو حیسبه ای این چنین مقاومت جویا نه و مستحکم چه چاره ای دار ، رد جز لرزیدن بخود ؟ رویزیو -

خیستهای اکثریتی یکشان می آیند ، به مردم میگویند : از این محل دور شوید ، بهاز همبست می اندازند ، اما حرکت توده های کثیری از مردم که به صف تظاهر کنندگان می پیوندند دست محکم می شود برده مان

آنان

آنان

آنان

آنان



“نگ و نفرت بر حزب جمهوری اسلامی و لیبرالها ، عوامل کشتار اول اردیبهشت ۵۹”



مشتبای گره کرده و جبهه های برافروخته از خشم انقلابی، همه نشان از روحیه عالی و تعرضی نظام هرکندگان ۱۵ ارد، جمعیت به بیش از ۲۰۰۰ نفر میرسد. مزدوران رژیم جمهوری اسلامی که از این موج انقلابی به شدت هراسناک شده اند به کتا بفروشیها و توارفروشیهای پیاپی ده رو حمله میکنند. اما جرات نزدیک شدن به مع نظام هرکنندگان را ندارند. جمعیت شما میدهد؛ "اول اردیبهشت، حماسه مقاومت، بیزیرپرچم سرخ" - "اول اردیبهشت، لکه تنگی دیگر بردا مان ارتجاع" - "بني مدر - بهشتی برای سرکوب خلق متحد و برادر" - "از قحطی و گرانی، این جنگ ارتجاعی مردم به تنگ آمدند" - "زندانی سیاسی بهمت توده ها آزادبا بدگردد" - "اول اردیبهشت حماسه مقاومت علیه حزب جمهوری علیه لیبرالها" نظام هرکنندگان به چهار راه مدق نزدیک میشوند. بیزرزی زحمتکش با مشتبای گره کرده میخواهد سخنرانی کند. رفقا اورا روی دستها بلند میکنند. او هیجا زنده جا در بسته گردن گره بسته میگوید: بجها م زندانسی سیاست، بجها م ۲۱ روز است که اعتصاب غذا کرده هنوز از او خبر ندارم... هیجان زده دیگر نمیتوانند به حرفهای خودش ادا مه دهد. شور و قوتی تازه در جمعیت میا فتد همه یکمدا و متحد و بلند فریاد میزنند درود بر تو ما در مبارز، درود بر تو ما در مبارز. و ما در مبارز، بیزرزی زحمتکش شمار میدهد: زندانی سیاسی آزادبا بدگردد

جمعیت با او همدا میشود. آری یکسدار رژیم جلا د حاکم از این فریادها، از این افشاگری ما در مبارز بر خود بلرزد. بگذار نشت رسوایی هات بررسی شکنجه ات بر سر هرکوی و بیزرزی بعدا در آید. تنگ و نفرت بردرخیمان جمهوری اسلامی. جمعیت در جها رواه مدق میا بسته، رفیق بی بدوش با ران سرود و از شهدای دانشگاه، رفقا مودن، معتمدی، علوی، شوشتری، دانیالیسی و... جمعیت میگنداز اول اردیبهشت روز حماسه آفرین و مقاومت توده ها سخن میگوید جمعیت حاضر با خواندن نام شهیدان یه بار درود میفرستد و چنین یاد شهدای دانشگاه را گرامی میدارند. و بعد بیداد همه شهیدان دانشگاه، سرود "ای شهیدان" خوانده میشود. و ما شعار "زنده باد بیکار

توده ها" نظامات ببا بان میرسد جمعیت هیچ قصد متفرق شدن را ندارد در رکوشه و کتا رخبا بان جمع میشوند و به افشاگری و بحث میپردازند. بیزرزی شیردل میگفت: "من بجها م زندانسیست، رفتم سپاه عدالتش گفتم من با خون دل بزرگش کردم میدانید من چه جواب دادند گفتند غلط کسودی چنین بجهای را بزرگ کردی که رفتا است شما رنویسی" و اشک از چشمانش فرو میسار. ریخت، سنگ و نفرت بر شما جلا دان توده ها. دیر نیست زمانیکه آنان انتقام خود را از شما دشمنان انقلاب و جنا بیکار ان بگیرند مردی میگفت: "من آنها را میشناختم که بخبا نداختند. فالانتهای محل خسودم هستند. همه لومین اند." و هرگوشه ای بخشی بود، مردم به شدت از نداختن بسبب

متنفر شده بودند و یکی از محورهای بحث نیز همین بود. اما اینجا علاوه بر مزدوران رژیم و پاداران سرما به که در نقش مخالف در بجها شرکت میکردند، با ران و فسادار و نوکران خلقه بگوش بورژوازی، رویسز - بونیستهای توده ای و اکثریتی نیز انسان را کتم میکردند. تا ساعتی بعد از پسان نظامات بعد از ختم نظامات، در حالیکه از سوی بخشی از رفقا به افشای این جنا بیت ده منشا نه رژیم جمهوری اسلامی مشغول بودند، در کتا ر بیما رستان خمینی و شریعتی سا بر رفقا به کمک مردم زخمیها و مجروحین را به بیما رستان رسانند.

رژیم و حشزده بسوی بیما رستانها بورش آورد و یک مینی بسوس و دو جاشین با ساران ارتجاع را از رفقا و مردمی که در آنجا بودند بقیه دفعه



دوسالگرد اول اردیبهشت

رژیم جمهوری اسلامی

تظاهرات دانشجویان کمونیست

را بخاک و خون کشید



دست غرقه خون یک رفیق، همراهانیت دیگری سدهند

بارسال ، در اعتراض به تعطیل شدن دانشگاهها دانشجویان کمونیست و انقلابی بی دست به مقاومت زدند ، پاسداران سرمایه به آنها یورش برد ، ورفقا احمد مودن ، علوی خوشتری مهناز منمدی ، مرید ، وون آسوری و ... را شهید کردند و دهها تن را زخمی نمودند و اسال ، با زخم دست به اعتراض زدند ، تظاهرات آنان توسط پاسداران مزدور و حافظ سرمایه به خاک و خون کشیده شد و چندین تن شهید شدند ، کارگران ، زحمتکشان ، هموطنان انقلابی :

صدای اعتراض خود را علیه رژیم جمهوری اسلامی ، در محکوم کردن تعطیلی دانشگاهها و گسترش دانشجویان ، و در دفاع از مبارزات دانشجویان انقلابی دانشگاهها و دفاع از دانشجویان کمونیست و انقلابی بلند کنید نریا دا اعتراض خود را برای :

- ۱- آزادی کلیه دستگیرشدگان و معرومین
- ۲- اسیران و احسانتهدای اول اردیبهشت اسال
- ۳- بازگشایی انقلابی دانشگاهها بلندتر کنید .

اول اردیبهشت حماسه مقاومت علیه حزب جمهوری علیه لیسرالها زنده و جاوید باد یاد شهیدان ما برقرار باد جمهوری مکرانیک خلق سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار

اول اردیبهشت ۱۳۶۰



مزدوران رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی باقمه و آهن

علیه لیسرالها- اول اردیبهشت سرکوب در دانشگاه کشتار در کردستان - دانشگاههای ایران ، همزمان ، بنفع زحمتکشان کشوده باید گردد ، تاجهار راه ممدق ادا به دادند ، تظاهرات با خواندن سرود " ای شهیدان " خاتمه یافت و رفقا میان مردم جهت افشای رژیم و آگاهی آنها رفتند .

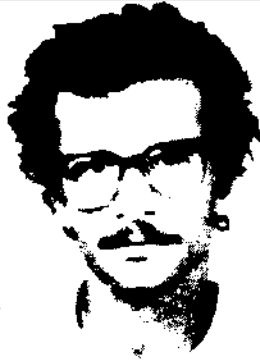
هموطنان انقلابی :

اکنون درست بکمال از تعطیلی دانشگاههای ایران بدست رژیم جمهوری اسلامی میگذرد . رژیم ، هراسان از این سنگر انقلاب ، و شرابان از اینکه دانشگاهها تبدیل به مراکزی در جهت افشای سیستم سرمایه داری وابسته و آگاهی توده های زحمتکش گردند ، دست به تعطیلی دانشگاهها زد .

کارگران ، زحمتکشان ، هموطنان انقلابی در روز ۳۱ فروردین ، ساعت ۴/۵ بعد از ظهر تظاهرات باشکوهی در بزرگداشت اول اردیبهشت - از طرف " سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار " در مقام بل دانشگاه تهران برگزار شد . این تظاهرات زمانیکه بعلوی در اطراف دانشگاه رسید ، با پرتاب یک سه راهی ساچمه دار توسط پاسداران مزدور بخاک و خون کشیده شد . چندین تن از رفقای دانشجو و دانش آموز شهید شد و دهها تن زخمی گردیدند ؛ دانشجویان کمونیست بمقاومت دلیرانه دست زده با آغوشه کردن دستهای خود ب خون رفقای شهید تظاهرات را با شعارهای : اول اردیبهشت ، لکه ننگی دگر بدمان ارتجاع - اول اردیبهشت حماسه مقاومت علیه حزب جمهوری ،

در مبارزه انقلابی برای بازگشایی دانشگاهها فعالانه شرکت کنیم

در سمینار سالانه انجمن ریاضی ایران جایزه دوم مسابقات متعلق به رفیق مهدی علوی شوشتری بود!



است وقتی اسم رفیق گرفتن جاشزه خوانده میشود، رئیس دانشکده علوم اهواز گرمزاده میروند که جایزه را بگیرد یکی از میان حاضر میبرد چرا خود این شخص نیامده است. گرمزاده میگوید متاسفانه او در جریانات حمله به دانشگاه دستگیر و اعدام شد. سپس کمی دیگر از میان حاضرین پیشنهاد میکند که همه با هم طر او یک دقیقه سکوت نمایند. از میان حدود ۲۰ نفر حاضر در جلسه بجز ۲۰ نفر مرتجعانه ایستاد و هر یک دقیقه سکوت میکنند. یاد رفیق جاودان باد!

بین ۸ تا ۱۱ فروردین در محفل دانشگاه صنعتی امپهان سمینار سالانه "انجمن ریاضی ایران" برگزار شد. در این سمینار حدود ۱۵ نفر مدرسین و استادان ریاضی سراسر ایران حضور داشتند. قرار بود سمینار یک سمینار علمی باشد، لیکن از همان روز اول بحثهای سیاسی خصوصاً راجع به مسائل دانشگاه غلبه داشته است.

در روز آخر سمینار جوایز مسابقات ریاضی سال تحصیلی ۵۹ - ۵۸ به برندگان آن داده شد. نفر دوم این مسابقات رفیق شهید مهدی علوی شوشتری بوده

بقیه از صفحه ۱۵ توطئه های ...
" شما اساتید محترم نمیتوانید علوم خودتان را بدیگران یاد کنید مگر در یک محیط آرام و یاد رهای دیگر میگوید:

" اساتید مشغول بکار خودشان باشند و توطئه در کار نباشد اگر اساتید محترم دانشگاه که میخواهند به این مملکت خدمت بکنند و میخواهند تخصص خودشان را از خودشان بدیگران صادر کنند آنها توجه داشته باشند که محیط دانشگاه، محیط تعلیم و تعلم است نه محیط اموری که به کشور ما ضرر میرساند. انحرافات در کار نباشد. بنسای آن نباشد که اساس جمهوری اسلامی را بخواباند متزلزل کنند و جوانان را وادار کنند به کارهایی که در دانشگاه مناسب نیست."

(جمهوری اسلامی به شنبه - ۲۵ فروردین آری! رژیم جمهوری اسلامی حال کس تحت فشار توده های انقلابی و با توجه به نیاز سرسختی به نیروی متخصص هستند آن دارد که نیروی اساتید محترم را بکار بگیرد و سیستم سرمایه داری وابسته را تحکیم کند ابتدا از استادان حق السکوت بگیرد. آنها را دعوت به آرامش کرده و تهدید میکند که هر کس در دانشگاه مهرکوت به لبزند، در مقابل همه عملکردهای ما آرام و ساکت نباشد و در همه جا جاسوس رژیم را بگیرد و باجه کوچکترین مخالفتی با رژیم جمهوری اسلامی برخورد توطئه گرمحسوب میشود ... و بدین ترتیب براهی و صوح روشن میکند که تمام سستی تلاش رژیم در سرکوب و کتار گذاشتن استادان انقلابی است و تنها استادان سازشکار و مرتجع مد نظر رژیم میباشد. اما همانگونه که استادان مبارز و دانشجویان انقلابی عناصر خود فروخته ساواک را چه در بین دانشجویان وجه در بین استادان افشا نموده و نتواند توان اخراج کرد پس اکنون نیز خواهند توانست این توطئه ها را درهم شکسته و ضمن افشا و کوشش برای اخراج استادان و دانشجویان مرتجع و سرسخت ده بدفاع از استادان مبارز و دانشجویان بان انقلابی و کمونیست برخورد کنند.

شان، خمینی بگوید که "ایمان خودشان را داغ میکنند تا برگردن ما بگذارند" و می نکتند ما جوانان مردانه رفقا و دوستان انقلابی ما را با شارتی، اس عمل سر - سیرده ساواک (در آلمان) و جمهوری اسلامی در این زمان، "شایعه" میماند، آبادار این مورد تیر چیری سن آراسی میوان از آنها انتظار داشت؟

بقیه از صفحه ۱۲ داسکاها ...
و کانون پرتلاش آگاهی باشد. بارکشایی سراسری و یکپارچه دانشگاهی که همه محل "آرامش" بلکه سکرمبارزه انقلابی باشد. آری بارکشایی چنین دانشگاهی خواست توده های زحمتکش ماست.

برخواست بارکشایی سراسری و یکپارچه - چه دانشگاه پای فشرده و سیاست ارتعاعی رژیم را برای بارکشایی مرحله ای و پراکنده دانشگاهها افشا کرده به مبارزه انقلابی علیه ایسی سیاست برخوردیم!

بقیه از صفحه ۴ در مراسم ...
دند بپور کرده سا خود برد ...

در همین لحظات بود که خبری گوش بگوش میگشت و چهره ها را برافروخته و مشت های گره کرده را چون پیک به حرکت در میآورد. خبرشهادت بیگانه رگرا و کمونیستی کسسه فخرمانه در راه آرمان و الایمان یعنی کمونیسم، یعنی نابودی فقر و ستم زحمت - کتان، یعنی نابودی استثماررگان باخند، آنانی که سال قبل در زمستان سوس رژیم بد استکاها، با معامت پیکر و حمله آفرینشان مهر خط می پیکر سازمانها را بر تارک مقامت فخرمانا - نه اول اردیبهشت زدند، اما سال تیر نشان دادند که ادا مدهندگان راستین انقلابید. رژیم جمهوری اسلامی که وحش زده در بیوق و کورهای تبلیغاتی نشان دمید تا سوده ها را علیه گرامیداشت سالگرد معامت فخرمانا - اول اردیبهشت بسج کنند و حشمانه آخرین چیزی را که در چنته داشت و در آلمان می توانست عرضه کند، ارائه کرد. اما عمق جنایت تابان جدید کسسه اینک در پلید کوه های بحریف و دروغ می - کوبید که "خودشان بودند" وقتی سردمدار -





نواهی جهان بسط باید. علت این امر نیز همانطور که اشاره رفت، درنا موزونیست. تکامل سرمایه‌داری شفته است. بدین شکل که، یک کشور بدنبال کشوری دیگر و بموازات آن رشد نمیکند، بلکه متناوباً کشورهای که قبلاً از بقیه سبقت گرفته بودند اکنون به عقب رانده میشوند و کشور - های جدید دیگری به طرف جلو پیشروی می -

نقش و جایگاه آن در جهان کدام است؟ آیا اکنون در جهان اردوگاهی بنام اردوگاه سوسیالیسم وجود دارد یا نه؟ و آیا لاخره چه نتایجی از تقسیم جهان به دو اردوگاه میتوان گرفت؟ پاسخگویی مریح و صحیح به این سئوالات ما را در حل بسیاری از مسائل مطرح برای جنبش کمونیستی ایران یاری خواهد کرد.

در اوایل قرن بیستم، دوران سرمایه‌داری رقابت آزاد سرانجام می‌یابد و رسیدن و غرنویس، عصر امپریالیسم وجود آمد. عصری که در آن سرمایه‌مالی به همه جهان سر میکشود و تحت سیادت خویش درمی - آورد. عصری که در آن، جهان بین شش دولت امپریالیست تقسیم شد و دیگر جایی برای تقسیم باقی نماند. دیگر تمامی نقاط جهان تحت سیادت سرمایه‌مالی امپریالیستی درآمده و عیارت بود از یک

یکی از ساحاتی که مدت‌هاست در جنبش کمونیستی ایران و جهان مطرح بوده و هست و رویزیونیست‌ها در مورد آن به تعریفیات عذیبه‌ای دست می‌زنند، مسئله اردوگاه - سوسیالیسم و جایگاه آن در وضعیت کنونی جهان و عیارت دیگر وجود دنیا عدم وجود دو اردوگاه میباشد. از هنگامیکه روپز - یونیست‌های غروشنجفی قدرت سیاسی را در اتحاد شوروی به تصرف خود درآوردند و پساً احیا سرمایه‌داری در این کشور و برخی دیگر از کشورهای سوسیالیستی حاکمیت سوسیالیسم را در این مناطق از بین بردند. این مسئله که آیا کماکان در سطح جهانی

دو اردوگاه

اردوگاه امپریالیسم، اردوگاه سوسیالیسم

کنند". (استالین - لنینیم یا ضرور - تسکیم)

نتیجه‌ای که لنین از طرح این مسئله گرفت، آن بود که امپریالیسم در آن واحد در سراسر جهان از پا در نخواهد آمد و برای بدنه‌ای مدیدی کشورهای سوسیالیستی تحت حاکمیت پرولتاریا در کنار کشورهای امپریالیستی تحت حاکمیت بورژوازی وجود خواهند داشت. وی نوشت:

"ما موزونی تکامل اقتصادی و سیاسی قانون بی چون چوای سرمایه‌داریست. ارا بسجا نتیجه میشود که پیروزی سوسیالیسم ابتدا در معدودی از کشورهای باحتی در یک کشور جداگانه سرمایه‌داری ممکن است. پرولتاریای پیروز مندا این کشور پس از طلب مالکیت از سرمایه‌داران و فرا هم نمودن موجبات تولید سوسیالیستی در کشور خود در مقابل بقیه جهان سرمایه‌داری بسجا خاسته و طبقات ستمکش کشورهای دیگر را بسوی خویش جلب مینماید. در این کشورها بر ضد سرمایه‌داران قیام مبریا میکنند و در

سلسله کشورهای امپریالیستی و در کنار - شان کشورهای که تحت سلطه آنها بسر می‌برند. امپریالیسم جهان را به تصرف خویش درآورد و به در تمام نقاط از فقط امپریالیسم و ارتجاع در قدرت بود و - کمیت خویش را اعمال میکرد. کل مناطق جهان متعلق به اردوئی عدا انقلابی - آسان بود.

لنین در همین دوران، با جمعیتی از تکامل سرمایه‌داری اشات کرد که امپریالیسم سرمایه‌داری گندیده و در حال احتضار بود و بنوبه خود آسان انقلاب اجتماعی پرولتاریا (انقلاب سوسیالیستی) است. اما لنین همچنین ثابت کرد که به خاطر تکامل ناموزون سرمایه‌داری، امکان اینکه این انقلاب اجتماعی همزمان در تمام دنیا اکثر کشورهای صورت گیرد، بسیار بعید بوده و برعکس روند انقلاب جهانی محتلا به این صورت خواهد بود که ابتدا پرولتاریا در یک یا چند کشور قدرت را به دست می‌گیرد و این کشورها از جمله امپریا - لیسم‌کننده و فوندویس این انقلاب در سایر

اردوگاه سوسیالیسم موجود است یا نه و آیا جهان همچنان به دو اردوگاه تقسیم میشود یا خیر، به یکی از سئوالات مهم پیش‌پسای کمونیست‌ها بدل شد. بویژه که رویزیونیست - های نوپای سوسیالیستی با تعریف اصول اساسی مارکسیسم - لنینیم و پشت‌پسای زدن به منافع پرولتاریا و خلق‌های جهان وجود اردوگاه سوسیالیسم رانفی نمود و در جهان کنونی را سببه به دو بخش، بلکه به سه بخش من درآوردی تقسیم مینمایند و با این تئوری سنی در توجیه اعمال خیانت باار خویش میکنند. در مقابل اینهمه تعریفیات، کمونیست‌ها بر آنند که اردوگاه سوسیالیسم همچنان در عرصه جهانی موجودیت دارد و جهان کماکان به دو اردوگاه (سوسیالیسم و اردوگاه انقلاب و سوسیالیسم و در سویی دیگر اردوگاه ضد انقلاب و امپریالیسم) تقسیم میگردد. ما در این مقاله بر آنیم که با شکاقتن این مبحث روشن کنیم که هنگامیکه میگوئیم - شیم جهان به دو اردوگاه تقسیم شده است، یعنی چه؟ اردوگاه سوسیالیسم چیست و

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

حورت لزوم حتی برخطوط استعمار
کننده و دولت‌های آنان با نیروی
نظامی دست با قدم میزند. (در باره شعار
کشورهای متحده اروپا - سال ۱۹۱۵)
انقلاب کمپرسوسیا لیستی اکتبر در رو -
سه صحت این تز لتین را در عمل نشان
داد. در اکتبر سال ۱۹۱۷، بورژوازی امپری-
الیستی در این کشور سرنگون گشت و
پرولتاریا، انقلابی بقدرت رسید. بدین
سان جهان امپریالیسم تک‌فرد است و
بخشی از آن جدا گشت. بخشی که در آن پرو-
لتاریا در حاکمیت قرار داشت و با ختمان
سوسیا لیسم را آغاز مینمود. بخشی که دیگر
به جهان امپریالیسم، سرمایه‌داری و ضد
انقلاب تعلق نداشت، بلکه جهانی نوین
بود: جهان انقلاب و سوسیا لیسم.

چنانکه استالین میگوید:
"انقلاب اکتبر پیش از همه از این جهت
شایان دقت است که حبه امپریالیسم
جهانی را شکافته، بورژوازی امپریا -
لیستی را در یکی از بزرگترین کشورهای
سرمایه‌داری سرنگون کرد و پرولتاریا برای
سوسیا لیستی را در راه حکومت نشان داد."
(استالین - حبه بین المللی انقلاب
اکتبر - سال ۱۹۲۷ - مسائل لتینیم جلد
۱ - صفحه ۲۹۵)

بدین ترتیب بدینال انقلاب اکتبر
جهان بدو اردوگاه ما هیتا متفاوت (اردو-
گاه امپریالیسم و اردوگاه سوسیا لیسم) -
تقسیم شد.
چنانکه لتین در سال ۱۹۲۱ نوشت:
"... امروز در جهان دو دنیا موجودند
دنای کهن - دنای سرمایه‌داری که همه
من بست در افتاده و هرگز تسلیم نخواهد شد
و دنای نوین در حال رشد، که هنوز بسیار
ضعیف است، لیکن بزرگ و قدرتمند
میگردد، زیرا شکست نا پذیر است."

(مختراتی در زمین کنگره شوراهای برابر
روسه در باره سیاست داخلی و خارجی)
اردوگاه سوسیا لیسم که بدینال بدست
گرفتن قدرت در یک کشور جهان ایجا دگشت
تا مل کشورها سوسیا لیستی و انقلاب
س، جنبشهای پرولتاری در کشورهای
امپریالیستی و جنبشهای آزادیبخش
در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم میباشد
بخشی اینکه مبارزات انقلابی پرولتاریا
و خلقهای تحت تسلیم بخشی از اردوگاه

سوسیا لیسم را تشکیل میدهد. روشن است که
این سه جزء اردوگاه سوسیا لیسم دارای
وحدت استراتژیک بوده و میبایستی هر یک
در خدمت دیگری قرار گیرد. انترناسیونال -
لیسم پرولتاری که اصل اساسی حاکم پرولتاری
روابط بین نیروهای اردوگاه سوسیا -
لیستی است، حکم میکند که این بخشها تیا
آنجا که در توان دارند، انواع کمکهای
مادی و معنوی را به یکدیگر رسانند. در این
جا بخصوص نقش کشورهای سوسیا لیستی
برجسته است، زیرا که در این اردوگاه
سوسیا لیسم قرار داشته و بنیادها با یکگاه
انقلاب جهانی بحساب می آید و نقش
مهم در امر پیشبرد انقلاب در جهان محسوسه
دارند.

لازم است که در اینجا به یک دیدگاه
انحرافی رایج نیز اشاره گردد و آن اینکه
وجود اردوگاه سوسیا لیسم را منوط به وجود
چندین کشور سوسیا لیستی دانسته و وجود
یک کشور سوسیا لیستی را بدین منظور
کافی نمیدانند و یا تتبع به نفع وجود
اردوگاه سوسیا لیسم در واقع کنونی
جهان میرسد.

در پاسخ این نظریه باید گفت که اولاً
لتین و استالین از همان بعد از انقلاب
اکتبر در شرایطی که پرولتاریا صرفاً در یک
کشور بقدرت رسیده بود و از قضا هنوز
بسیار هم ضعیف بود، صحبت از تقسیم جهان
بدو اردوگاه مینمودند و وجود اردوگاه
سوسیا لیسم را منوط به وجود چندین کشور
سوسیا لیستی نمیکردند. چنانکه در سال
دیدیم لتین در سال ۱۹۲۱ با این نکته اشاره
میکند. استالین نیز در سال ۱۹۲۹ در اثر
مشهور خود بنام "دو اردوگاه" مابین امپری-
الیسم و سوسیا لیسم بود: "جهان قطعا بطور
جدید تقسیم خواهد شد. اردوگاه امپریالیسم و
اردوگاه سوسیا لیسم... اینجا در اردوگاه
ما اتحاد شوروی، جمهوریهای جوان
شوروی و انقلابات رشدیافته پرولتاری
در کشورهای اروپایی قرار دارند... مابین
رژیمین ایندو اردوگاه معورضا مزدگسی
را در صورت تشکیل میدهد." (استالین -
دو اردوگاه - سال ۱۹۲۸)

ثانیاً و مهمترین نکته وجود اردوی سو-
سیا لیسم در رابطه با یک کیفیت نوین
معنی میدهد و این کیفیت هیچ نسبت جز
وجود کشورهای لیستی و پرولتاریای

در قدرت و کمیت این پدیده، یعنی تعداد
کشورهای سوسیا لیستی تعیین کننده بود
با نبود اردوگاهی بنام اردوگاه سوسیا -
لیسم نخواهد بود.

از همینجا میتوان نتیجه گرفت که در او-
ضاع کنونی، جهان همچنان بدو اردوگاه
تقسیم شده است و اردوگاه سوسیا لیسم در
آلبانی سوسیا لیستی، در مبارزات پرو -
لتاریا و جنبشهای آزادیبخش بطور عمده
موجودیت دارد و این امر علیرغم تمام
ضرباتی است که بورژوازی بطور مقطعی بر
بیکر سوسیا لیسم وارد نموده و در اکثر کشور-
های سابق سوسیا لیستی سرمایه‌داری را
احیا نموده است. و اما چه نتایجی میتوان
از اثبات وجود اردوگاه سوسیا لیسم و
تقسیم جهان بدو اردوگاه اخذ نمود؟ ما
در اینجا به عمده ترین و مهمترین نتایج
آن میپردازیم:

رد تز سه جهان

یکی از جوانب رویزونیستی تز سه
جهان نیز همانا در نفی وجود اردوگاه
سوسیا لیسم، در نفی تقسیم جهان بدو اردو-
گاه و در تقسیم جهان به سه بخش میباشد.
آنها ادعا میکنند که جهان دیگر به دو
اردوگاه تقسیم نمیشود و سپس نتیجه گیری
مینمایند که گویا جهان به سه بخش تقسیم
میشود. بدینسان آنها غافلانه تفا دمیان
سوسیا لیسم و امپریالیسم را منکر شده، بخشی
از اردوگاه امپریالیسم (جهان دوم بخشی
از جهان اول) را در صف متحده پرولتاریا و
خلقهای جهان قرار داده و همچنین کشور -
های اردوگاه سوسیا لیستی را در کنار
رژیمهای مرتجع می چون شاه ایران، زئیر،
شیلی و... در جهان سوم قرار میدهند. تضاد
آشتی ناپذیر این تز رویزونیستی بسا
مارکسیسم، چون روز آشکار است.

رد تزهای استقلال سیاسی

"ضد خلق - ضد امپریالیست"

"ضد کمونیست - ضد امپریالیست"

...

قبول تقسیم جهان بدو اردوگاه، قطعا
نمیتواند به رد نفی نقطه نظرات اپسور -
تونیتی دایر بر "استقلال سیاسی رژیم
بفیه در صفحه ۱۶

بیستمین سالگرد ۱۲ اردیبهشت "روز معلم" را با استرش پیوند بین دانش آموزان انقلابی و معلمان مبارز و انقلابی گرامی بداریم!

دانشجویان و دانش آموزان انقلابی در جریان این تظاهرات و حرکت‌های انقلابی نقش بسزا رقمانی داشتند. در ۱۳ اردیبهشت سیزدهم آموزش مدارس و دانشگاهها را تعطیل کرده و به همراه معلمان انقلابی خود به خیابانها ریختند و جنازه معلم انقلابی را تشییع کردند. ناشران این حرکت و اعتراضات توده‌ای تا آنجا رسید که مسئله در مجلس به نوبت گذاشته شد و سرانجام منجر به سقوط کابینه شریف امامی و روی کار آمدن علی امینی مزدور گردید. علی امینی کوشش اصلی‌اش در فریب توده‌ها و دادن وعده و وعید به معلمان و از این طریق سرکوب مبارزان انقلابی آنها بود. سیاستی که نتوانست تا شیری برجش انقلابی معلمان بگذارد. معلمین انقلابی همچنان بر خواسته‌های خود با فشاری می‌کردند و این مسئله تا آنجا ادا می‌یافت که دولت مجبور به پاسخگویی به خواسته‌های آنها گردید و در روز ۱۳ اردیبهشت ماه در بیان بیروزمندا اعتبارات

اوج کشتری میگرفت و بالاخره در ۱۳ اردیبهشت در تظاهرات وسیع معلمان انقلابی که از "میدان بهارستان" شروع شده بود به خون نشست. این تظاهرات پرشکوه که در اعتراض به کسی حقوق و شرایط سنگین و طاقت فرسای کار و زندگی معلمان و سایر اقشار زحمتکش جامعه و نیز در اعتراض به جو احتیاق حاکم و نبود آرازیهای سیاسی اجتماعی شکل گرفته بود با تظاهرات و حشانه ارتش مزدور شاه برای سرکوب آن اولین شهید خود را داد. گلوله بر قلب معلم مبارز و انقلابی "دکتر خاتمی" نشست و بیگانه غرقه در خون شهید خاتمی بر روی دست تظاهرات کنندگان قرار گرفته و در ادامه تظاهرات در شهر جریید. با شهادت دکتر خاتمی خشم توده‌های مردم بالا گرفت و مریادگان خروشان شدند. چهره شهر در همان روز و روزهای بعد کاملاً عوض شدند. بازار و مغازه‌ها غالباً تعطیل شدند و تظاهرات پراکنده در سطح شهر ادا می‌یافت.

۱۲ اردیبهشت - "روز معلم" - روز مبارزه انقلابی معلمان بر علیه رژیم مزدور شاه - روز شهادت معلم مبارز "دکتر خاتمی" گرامی باد.

مبارزه انقلابی معلمان بیست سال پیش در اردیبهشت ماه سال ۴۰ در شرایطی شکل گرفت که بحرانهای اقتصادی - سیاسی جامعه را گرفته و رژیم مزدور شاه را تا گزیر به عقب نشینی در مقابل جنبش توده‌ها و توسل به سیاست رفرم کرده بود. در چنین شرایطی بود که در میان معلمان بعنوان یکی از اقشار زحمتکش و تحت ستم جامعه مبارزه انقلابی نسبتاً وسیعی در گرفت. با وجود آنکه جو رفرمیستی حاکم بر جامعه به بسیاری از جریانها و احزاب لیبرال و ارتجاعی فرصت پسرو بال گرفتن و فعالیت وسیع داده بود، با وجود آنکه در جنبش انقلابی خلق نیرویی که قادر بر ابداع مبارزات انقلابی توده‌ها را هدایت و سازماندهی کند نبود و با وجود آنکه عناصر مرتجع می چون محمد درخشش (عناصر وابستهای که جزو پاندمی امینی بود) در میان معلمان به کار وسیع دست زده و در جلب و فریب آنها فعالانه می‌کوشید و با تشکیل "جامعه معلمان" (با شگانه مهرگان) و بر آه انداختن سخنرانیهای توخالی و ظاهراً فریب علیه دولت شریف امامی و... سعی در منحرف کردن جنبش معلمان داشت. آری با وجود همه شرایط فوق معلمین آگاه و مبارز که چهره مزدور "درخشش" را با خوبی شناخته و بی‌شک ما همتا و برده بودند و از جانب دیگر ضرورت سازماندهی مبارزات انقلابی معلمان را میدیدند دست به بسیج معلمان مبارز در شهران و بسیاری از شهرستانها زده و بیای تدارک اعتبارات و تظاهرات اعتراضی معلمان انقلابی رفتند. این اعتبارات و تظاهرات از روزهای اول اردیبهشت سال ۴۰ شروع شده و هر روز



جهاد دانشگاهی، انجمنهای اسلامی و امور تربیتی مدارس باید منحل بشوند

مزبور، دانش آموزان انقلابی همپای
معلمین انقلابیشان در مدارس مراسم
چشم و گلیاربان برپا کردند و به دستور
روز ۱۲ رده بیست "روز معلم" برتسارک
جنبش انقلابی خلق مانقش خون بخت و از
آن پس نیز همچنان ادامه یافت .

از آن پس معلمین انقلابی در چهیره
مهربان ، در کلام در گذیده ، در قلم جانبدار
و در زندگی جاودانه "مدبهرنگی" معلم
کمونیست شهید ، معلم فرزندان زحمتگنان
روستاها تبلور یافت .

معلم انقلابی در زندگی انقلابی و سراسر
سازره "مرغی احمدی انکوبی" ، "محبوبه
منجدین" ، "حسن آلاذ پوشت" ، "شیرین
فضیلت کلام" ، "جواد صالحی" ، "محمد رضا
کلانتری" و بسیار معلمین انقلابی
و کمونیست دیگر که آگاه و سازش ناپذیر
راه مبارزه را با جان خریدند تبلور
یافت .

معلم انقلابی در حماسه مقاومت پایدار
بسیار معلمین آگاه و مبارز که بجرم
دادن آگاهی به توده ها در زندانهای رژیم
شاه سر میبردند و با تبعیدگاها فرستاده
میشدند و ممنوع القوم و ممنوع التدریس
میشدند تبلور یافت .

خلاصه آنکه در تمامی این دوران با زحم
معلم انقلابی در سنگرانقلاب به مبارزه
ادامه داد ، با او جگری جنبش انقلابی
در سالهای ۵۷-۵۶ با زحم جنبش انقلابی
معلمان ادامه یافته و علمبرغما اینکه از
تشکل و سازماندهی انقلابی مشخص و ویژه
برخوردار نشده و نتوانسته بود تحت رهبری
و هزمونی نیروهای انقلابی و کمونیست
حرکت با برنامو گسترده و سراسری خود را
مشکل کرده در پیوند با کل جنبش توده ای
قرار دهد اما بصورت پراکنده و بدون

سازماندهی ویژه در جنبش انقلابی
زحمتگنان مانقش داشت ، اعتصابات
سراسری مدارس و دبیرستانها با شرکت
فعال بسیاری از معلمین انقلابی و
کمونیست در تظاهرات و اعتراضات
توده ای و ... همه موبد این مطلب هستند .

اما امروز جنبش انقلابی معلمان با ز
هم علمبرغما دامه یابی اش همچنان از
نطفها و اشکالکلت بسیاری در رنج است و بسا
وجود آنکه از جانب رژیم جمهوری اسلامی
مورد تهاجم بسیار قرار داده و رژیم ارتجاعی

حاکم همچون همه رژیمهای ارتجاعی دیگر
با درک نقش مهمی که معلمین انقلابی
میتوانند در گسترش آگاهی توده ها و تربیت
انقلابی آنها داشته باشند سعی بسیاری
در جلوگیری از پیوند خوردن معلمان
انقلابی با توده ها و حتی ادامه کار و تدریس
آنها در مدارس دارد و هر روز دستها از
آنها را اخراج و با زشتی و ... میکند اما
هنوز نتوانسته است همپای جنبش خلق
مبارزات انقلابی خود را سازماندهی و
مشکل کرده و اثر گسترش و ارتقاء دهد .

رژیم جمهوری اسلامی دست به اعتدالم
معلمین انقلابی و کمونیست میزند و خون
حرح رفقای شهید معلمین کمونیست "بهمن
بزتی" ها و "هرمز گرجی بیانی" ها و ... را بر
زمین می ریزد و آنها را به جوخه اعتدالم
میسپارد .

رژیم جمهوری اسلامی بسیاری از معلمین
آگاه و مبارز را در زندانهای مخوف خود به
حس میاندازد .

رژیم جمهوری اسلامی بسیاری از معلمین
انقلابی را بجرم عقاید انقلابیشان و تحت
عنوان "فدا انقلاب" ، "غیرمکتبی" ، "تفکر
مادی" ، "تحرّف" و ... تهمینه و اخراج و بسا
با زشتی و سردرگم کرده و حقوق بسیاری
از آنها را قطع کرده و به جای آنها معلمین
مرتجع دست پرورده خود را میثاند . اخراج
و تهمینه حدود ۳۰۰۰ معلم که غالباً انقلابی
و مبارزه مستند نمونه ای از عملکردهای
رژیم در سرکوب جنبش انقلابی معلمین
و منزوی کردن معلمین انقلابی و جلوگیری
از آگاهی توده ها هستند .

همچنین رژیم جمهوری اسلامی با ایجاد
ارگانهای ارتجاعی سرکوب و اختناق چون
"آموز تربیتی" و انجمن اسلامی و بسا
منتصب کردن مدیران سرسپرده در مدارس
و ... کوشش بسیاری دارد که جو فشار
و تهدید و ارباب و تفتیش عقاید شدید را
در مدارس پیاده کند .

و در مقابل همه این تلاشهای ارتجاعی
رژیم هر چند مقاومت انقلابی معلمان
همچنان ادامه دارد اما با زحم میتوان
ضعف و عدم سازماندهی حاکم بر این جنبش
را بشکل مشهودی دید ، با وجود برپایی
کانونهای دمکراتیک و انقلابی همچون
"کانون مستقل معلمان" هنوز هم معلمین
انقلابی قادر نیستند در اعتراضات به شرایط
موجود و برای کسب حقوق و آزادیهای

دمکراتیک خود ... و در حمایت از معلمین
انقلابی اخراجی و زندانی و با در محکوم
کردن ترور و اعدام معلمان مبارزی هم
چون "هرمز گرجی بیانی" ها و ... دست به
اعتراض و حرکت بشکل و با برنامو بزنند
... همچنین عدم پیوند خوردگی جنبش
انقلابی معلمان با جنبش انقلابی دانش
آموزی و دانش آموزان انقلابی در مدارس
خود ضعف مهم دیگری است که بردوش این
هر دو جنبش سنگینی میکند . واضح است که
نبود پیوند محکمی بین این دو جنبش
باعث میشود که نه معلم اخراجی بتوانند
از حمایت انقلابی دانش آموزان برخوردار
دار شده و از حقوق حقه خود با حمایت
توده ای وسیع دفاع کنند و نه دانش آموزان
انقلابی که هر روز با در معرض اخراج هستند
و با حقوق و آزادیهای دمکراتیکشان از
جانب رژیم شهید و سرکوب میشوند قادرند با
حمایت فعال معلمان انقلابیشان خواسته
های خود را به پیش ببرند ، با توجه به سه
نکات فوق ما معتقدیم که در مقطع کنونی
بر لزوم پیوند بین جنبش دانش آموزی و
جنبش معلمان با بدنا کیده بسیار کرده و بسا
برخوردها فعال به این مسئله جو حاکم در
مدارس را شکست - بر همین اساس لازم است
که دانش آموزان انقلابی و کمونیست به
نکات زیر توجه کرده و آنها را به محصل
در آورند :

- ۱- با معلمان انقلابی خود تکیه اساس
گرفته و در جریان مسائل ، مشکلات آنها و نیز
فشارهای حاکم بر آنها قرار گرفته و بسا
گرداین مسائل به تبلیغ و افشاگری
بپردازد . اخبار راجع به مطمین
اخراجی با با زشتی و ... را در میان
توده های دانش آموزان افشا کند و با حمایت
فعال و انقلابی خود و با بسیج توده های
دانش آموز از اخراج یا تهمینه معلمین
انقلابی و کمونیست جلوگیری کند !
- ۲- معلمین انقلابی را در جریان اخراج
دانش آموزان انقلابی و با حرکات سرکوب
کرانه مسئولین مدرسه قرار داده و حمایت
انقلابی آنان را جلب کند !
- ۳- به افشای مطلمان سرسپرده و رویز -
پونیت برداخته و ما هیت آنها و عملکردها
هابشان را که جزغیانت به دانش آموزان
انقلابی ، مضای حکم اخراج آنها و کوشش
در غالب کردن جو اختناق و فشار رده -
ارسیست افشا و محکوم کنیم !

دانشگاهها این سنگرهای آزادی و انقلاب باید همزمان و یکپارچه به همت توده‌های انقلابی باز شوند!

مدتی است ترم‌های بازگشایی مجدد دانشگاهها از طرف رژیم بگوش میرسد و بالاخره بیش از هر چیز با روشن شدن اوضاع فرهنگی در میان توده‌ها و رسوا شدن توکنه‌های نتگین رژیم برای بستن این کانونهای خروشان مبارزه انقلابی و همچنین با توجه به نیاز مردم و محاسبات سیستم سرما به داری وابسته و رژیم حافظ آن به تربیت و پرورش متخصصین که بتوانند در خدمت نیازهای و تحکیم این سیستم قرار گیرند. رژیم و سرمداران مرتجعش به دست و پا افتاده و راه چاره از این پس بستن راه بازگشایی مجدد دانشگاهها مسمی بینند. خمینی که با پیام نوروزی خود در سال ۵۹ توطئه بستن دانشگاهها و گشتار دانشجویان انقلابی و کمونیست را رسمیت بخشید و ما نیز با پیام نوروزی و سپس در سخنرانیهای پیاپی خود عقبنشینی رژیم و بازگشایی دانشگاهها را آغاز می‌کند. اینچنین یکباره موج دیگری از دروغهای رژیم براف می‌افتد. اما بر طبق ماهیت ارتجاعی، هزاران توطئه در کارش دنبال میکند. از آن جمله بازگشایی دانشگاهها، توسط خود رژیم و بتدریج میباشد.

اگر بخاطر داشته باشید در سالهای قبل از قیام - سالهای ۵۶-۵۵، و در دوره‌های دیگری که جنبش دانشجویی اوج میگرفت و با لایمیتاد، رژیم مزدور شاه قادر به سرکوب مستقیم و رودرروی آن نبود دست به حیل‌های متفاوتی میزد. از جمله این حیل‌ها بستن برخی دانشگاهها که جو مبارزاتی فعالتری داشتند و نیروهای انقلابی در آنها از استحکام کمی و کیفی بیشتری برخوردار بودند. تعطیل دانشگاههایی که مبارزه در آنها شدت گرفته بود و با منحل کردن ترم‌های این قبیل دانشگاهها و... بود. همچنین

رژیم شاه بخصوص در سالهای آخر حیل‌ها نتگینش در مهرماه هر سال که دانشگاهها کار خود را شروع میکردند با زنگشایی بعضی از دانشگاهها و با دانشکده‌ها را بتعمیق انداخته و آنها را تا مدت‌ها با حیل‌های مختلف بسته نگاه میداشت و با برعکس با جلوانداختن امتحانات بعضی از دانشگاهها و دانشکده‌ها سرعت کار آنها را تمام کرده و تعطیل تا بستن آنها را اعلام میکرد. هم‌این حیل‌ها از سوی رژیم شاه کوشش ناگامی بود برای سرکوب جنبش دانشجویی و خفه کردن فریادهای آسان دانشگاه!

رژیم جمهوری اسلامی نیز که در همه عرصه‌های حکومتش نشان داده که بسیاری از تعارضات و "دستاورد‌های" خائنانه رژیم شاه را در سرکوب جنبش بکار میگیرد، در زمینه سرکوب جنبش دانشجویی و خفه کردن فریاد دانشجویان انقلابی نیز به حیل‌های رنگارنگ رژیم شاه متوسل شد. از آنجمله باز کردن و براف انداختن دانشگاهها به صورت همزمان بلکه متناوب

و با فاصله‌های زمانی مختلف و با برعکس اتمام کار دانشگاهها و تعطیل آنها به همین صورت برای مثال در مهرماه ۵۸ رژیم برنامهمبارزگشایی بتدریجی دانشگاهها را دنبال نمود. در آخر سال تحصیلی ۵۹-۵۸ رژیم امتحانات برخی از دانشکده‌ها را به سرعت سرکوار کرده و آنها را در همان اوایل اردیبهشت و خرداد تعطیل کرد (این سیاستی است که رژیم امروز در مورد مدارس هم پیاده میکند) بعد است که همه این رنگ‌های رنگارنگ جنبش دانشجویان از هراس رژیم از زشت متحد و یکپارچه و محکم دانشجویان انقلابی و کمونیست نیست. رژیم که خود را ناتوان از معرکه و نابود کردن این مشربت بزرگ توده‌ها میبیند میکوشد تا هر چه بیشتر آنرا ضعیف و کوچک و نا متحد سازد. شما می‌بینید تلاشها برای جلوگیری از حرکتی متحد و همزمان و یکپارچه توسط دانشجویان انقلابی صورت میگیرد.

بازگشایی مجدد دانشگاهها از سوی رژیم متدخلی حاکم و در شرایط کنونی نیز



دانشجوی مبارز یاری توده‌ها سنگر خود را بگشا

فروردین

همه سخنان فوق حاکی از دو مسئله اساسی است. اول اینکه رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب جنبش دانشجویی برای پیشگیری از فعالیت انقلابی در دانشگاهها و برای داشتن دانشگاهی که طبق رهنمود خمینی "آرامش کامل" در آن برقرار باشد و خلاصه برای جلوگیری از ورود دانشجویان انقلابی و کمونیست دست به توطئه های رنگارنگ زده است و تصمیم دارد - دانشگاهها را به صورت مرحله ای و پراکنده و پنا ناطقه های زمانی متفاوت باز کند و در مورد ورود دانشجویان نیز محدودیت خدا انقلابی نائل شود.

دوم اینکه : رژیم با تاکید بر بازگشایی دانشگاههایی که در خدمت سرورش متخمسینی در رشته های فنی ، کشاورزی و پزشکی و ... قصد دارد که نیروی متخصص لازم برای بازسازی و تحکیم سیستم سرمایه داری وابسته را پرورش داده و پنا گامهای هرچه سریعتر بسوی محکم کردن بندهای وابستگی قدم بردارد .

و این هردو هدف ارتعاعی رژیم کد مز به ضد ساق کارگران و زمینکشان جامعه حاکمیت چیریت که هم حورب جمهوری اسلامی و خمینی بر آن تاکید بسیار دارند و هم لیبرالهای خائن و مرتجع برای پیاده کردن بسیار گف میرشند و دم می - حنبانند .

بسی صدر در روزنامه های " انقلاب اسلامی " با تیر در دست از قول اسام میبویند :

" جمهوری اسلامی و اسلام پشتیبان خصم ها و دانشگاه است "

و بدینصورت در تائید سخنان اسام نشین رانان با گوش باز میکند . بسرای بورژوازی چه چیز بهتر از اینکه دانشگاه های وابسته دارد که هم در آرامش کامل با طرفیت محدود و آزاد از " سر " دانشجویان انقلابی با شدم بتوانند در آن به ترسیت متخمسینی سر بریز و آرام در خدمت تحکیم سیستم سرمایه داری وابسته و ناسیسن ساق طبقاتش بپردازد .

آری رژیم جمهوری اسلامی قصد بازگشایی چنین دانشگاهی را دارد !

واضح است که بازگشایی چنین دانشگاهی نه تنها مثبت نبوده و خواست توده های زمینکش ما نیست بلکه دقیقاً حرکتی ضد

با تکیه بر چنین اهداف و سیاستها بی مطرح شده است . با توجه به اخباری که از اینصو و آنصو میرسد و با سخنانی که سردمداران مرتجع رژیم میگویند بخواهی میتوان در - یافت که رژیم قصد دارد دانشگاهها را به صورت متناوب ، جدا از هم و پراکنده و آنهم با طرفیت محدود و انتخاب دانشجویان طرفدار رژیم و ... بازگشاید . در این زمینه حزب جمهوری اسلامی در ارگان خود روز - نامه جمهوری اسلامی طرح کرده است که " دانشگاهها باید با طرفیت محدود و بساز شود "

اخبار روشنی حاکی از این است که رژیم قصد دارد از اردیبهشت ماه سال و نیز از شهریور آینده بعضی از دانشگاههای "متخصص پرور" را برای ادامه تحصیل دانشجویانی که واحدهای کمی تا اتمام در شان دارند بازگشاید . شریعتمداری عضو " ستاد نهاد انقلاب فرهنگی " در اینمورد میگوید :

" عده ای (از دانشجویان) که در سال آخر تحصیل میکنند با کمک دوستان آمار این عده را جمع آوری کردیم که چند نفر چند واحد برایشان مانده و تصمیم داریم آنها بی که در حدود یک نیمه سال باقی دارند کد - فارغ التحصیل شوند تکلیف این عده از دانشجویان را جدا از دیگران روشن کنیم . " (انقلاب اسلامی - پنجشنبه ۲۷ فروردین)

خمینی یکی از شروط سه گانه اش را برای بازگشایی دانشگاه چنین اعلام میدارد :

" رشته هایی که نیاز جامعه به آنها بیشتر و مبرم تر است در الویت قرار دارند و جلال الدین فارسی در مصاحبه ای میگوید : " ... ما م تا کید داشتند که بازگشایی دانشگاهها مرحله ای انجام گیرد " . (جمهوری اسلامی - ۲۲ فروردین)

همچنین شریعتمداری در مصاحبه ای در پاسخ این سوال که چه رشته هایی از آغاز سال تحصیلی آینده شروع به کسار میکنند میگوید : " رشته های پزشکی - فنی و کشاورزی از الویت خاصی برخوردارند زیرا که جامعه ما احتیاج به متخصصین در رشته های فوق دارند و اینها برای کوشش ما بر اینست که این رشته ها را زودتر افتتاح کنیم " . (انقلاب اسلامی - پنجشنبه ۲۷

انقلابی و در خدمت سیستم سرمایه داری - وابسته و سرکوب جنبش دانشجویی است و بر این اساس بازگشایی دانشگاه به اینصورت محکوم بوده و باید که به بازگشایی سراسری و همزمان دانشگاهها و مدارس عالی کشور بتوان سنگری برای مبارزات دمکراتیک خدا مهربا لیسنی و آنهم با حضور همه دانشجویان انقلابی و کمونیست پای فشد . مبارزه ۳۰ واحد درسی و با انتخاب ۲۱۰ دانشجویان برای ورود به دانشگاه و ... هرگز نباید پذیرفته شود و دانشجویان انقلابی و کمونیست باید متحداً در مقابل این چنین بازگشایی مبارزه انقلابی خود ادامه دهند و بی شک ادامه نیز داده و به رژیم ضامن خواهند داد که دانشجویان بان انقلابی و کمونیستی که چه در دوره های رژیم شاه و چه در رژیم جمهوری اسلامی طعم تمامی این سیاستهای رژیم های مرتجع را چشیده اند و در مبارزه با چنین سیاستهایی آبدیده شده اند هرگز تسلیم آنها نخواهند شد و به چنین توطئه هایی تن نخواهند داد . نه فقط دانشجویان انقلابی و کمونیست بلکه توده های آگاه که خواستار بازگشایی دانشگاهها بمنوان سنگرهای استوار آزادی هستند نیز اجازه نخواهند داد که رژیم توطئه خائنه و رسوایش را برای بازگشایی مرحله ای دانشگاه و سیاست تفرقه در صفوف متحدان دانشجویان انقلابی پیاده کند . توده های آگاهی که در روزهای اول اردیبهشت در پی کشتار دانشجویان کمونیست و انقلابی برای فرزندان جان بازوان انقلابی بیژان اشک ریختند ، توده هایی که در پی تعطیل دانشگاهها و زدن قفل ارتجاع بر در خانه های آگاهی و آزادیشان درمخا - لغت با این سیاست ارتعاعی سخن گفتند و آنرا محکوم کردند و بالاخره توده هایی که امروز در اردیبهشت ، ما حما سه خونین دانشگاهها را زهم چشم بردا نشگاها داشته و خواستار بازگشایی آنها هستند اجازه نخواهند داد که رژیم اهداف ارتعاعی را به پیش برد . خواست توده ها ، بازگشایی سراسری و یکپارچه دانشگاهها بمنوان مرکزی برای آگاهی و مبارزه انقلابی است . بازگشایی سراسری و یکپارچه دانشگاهها که بازم یکی از سنگرهای تپنده انقلاب

اول ماه مه روز همبستگی جهانی طبقه کارگر اگرامی داریم!



روز اول ماه مه نزدیک می شود و پرولتاریای آگاه سراسر جهان به پیشواز بزرگداشت پیکار خونین کارگران شیکاگو در سال ۱۸۸۶ بر علیه نظام سرمایه داری می روند. سرمایه داری به پیش که در این روز کارگران اکثر شهرهای آمریکا و بویژه شیکاگو حول شمار ۸ ساعت کار دست به اعتصاب میزنند و لیزه برانداختن نظام سرمایه داری میاندازند. سرمایه داران از این بیساختن با شکره کارگران بوحشت افتاده و تمام ارگانهای سرکوب خود را برای خاموش ساختن این آتش شعله ور بسیج میکنند. روزنامه های سرمایه داری از پیش این روز را "قیام کمونیستی" مینامند و از مردم میخواهند "هر تیر چراغ برق را بسا جد آویخته یک کمونیست توشین کنند" "سینه یغیان را به گلوله ببندند و گردن رهبران آنها را با طناب اعدام بالا بکشند" اما آیا هیچ گلوله و تهدید و اعدامی میتواند از بیباختن پرولتاریای در بند جلوگیری نماید؟

نمایش ۲۰۰۰۰ نفری کارگران در اول ماه مه در عرض سه روز از مرز ۸۰۰۰۰ نفر نیز در میگردند و اعتصابیون بدون هیچ ترس و وحشی از تهدید و اعدام و سرکوب، متحدانه خواست ۸ ساعت کار خود را به پیش میبرند. و علیرغم کشتار وسیع کارگران و دستگیری و اعدام رهبران اعتصابیون در پیدا دگا های سرمایه نزدیک به پانصد

هزار کارگر در آمریکا توانستند حقوق ۸ ساعت کار روزانه را بدست آورند. آری این چنین بود که کنگره انترناسیونال دوم در برابر این ایستادگی و شجاعت کارگران شیکاگو تصمیم میگردد... تظاهرات بیست میلی عظیمی را ما زمان دهد. بطوریکه در یک روز همین در همه شهرها و همه کشورهای توده های رنجبر کاهن روز کار را به ۸ ساعت و اجرای دیگر تصمیمات کنگره پاریس (انترناسیونال دوم) را از دولتها بخواهند."

کنگره ۱۸۹۲ انترناسیونال دوم در زور بخ با حضور فردریش انگلس به پیشروی پرولتاریای جهان قطعنامه تکمیلی زیر را در مورد اول ماه مه به اجرا میگذارد: "تظاهرات اول ماه مه به خاطر ۸ ساعت کار روزانه، باید ضمناً نمایشگر اراده قاطع طبقه کارگر برای نابودی تمام طبقاتی از طریق دگرگونی اجتماعی باشد"

و بدین ترتیب همه ساله اول ماه مه به نمایش قدرت طبقه کارگر بر علیه نظام سرمایه داری جهانی، نمایش اساسی ترین خواسته های طبقه و بیک کلام نمایش جنگ طبقاتی بین بورژوازی و پرولتاریا مبدل شده و کارگران سراسر جهان جسور زیر شدیدترین جو خفقان و اختناق این روز را با تظاهرات و میتینگها گرامی میدارند و آثر این روز کارگر مبدل ساخته اند آری همه ساله کارگران سراسر جهان یاد رفتاری را زنده نگاه میدارند که از سرکوب و اعدام و شکنجه بهر ایدند و قهرمانان آنها را به پیکار خویش را به پیش بردند. بیاد آوریم سخنان "اشیتش" کارگر کارخانه برق و تصمیمات اکثریتی و یکی از

رهبران اعتصابی اول ماه مه ۱۸۸۶ در پیدا دگا سرمایه داران را که گفت: "مرا دار بزنید، اما بدانید که شما فقط جرقه ای را با کشتن ما خاموش میکنید. اما پشت سرمان، شعله ها از همه جا زبانه خواهند کشید. این شعله ها هم اکنون از میان مردم زبانه میکشند و شما نیروی خاموش کردنتان را ندارید..."

آری این شعله ها زبانه کشیدند و در اکتبر ۱۹۱۷ در برقراری سوسیالیسم بر کشور بهنا و اتحاد جماهیر شوروی و در سالهای دیگر در چین و آلبانی و... نظام سرمایه داری را در خود سوزاندند. و امروز علیرغم خباثنهای رویزیونیست های خروشنجی، به جهانی و... کماکان پرولتاریای سراسر جهان نابودی طبقه سرمایه و حاکمیت خود به یکبار برخاسته و مبارزه خویش را به پیش میبرند. آری این کشتار و سرکوب سرمایه داران، نه خیانت تاریخی بورژوازی - رویزیونیست های خروشنجی، به جهانی، نه حیل و فریب رژیمهای ارتجاعی همچون رژیم جمهوری اسلامی قادر نخواهند بود اراده واحد و بیولادین کارگران جهان را درهم شکنند و دیر نیست زمانیکه نظام سرمایه داری جهانی در آتش شعله ور خشمش پرولتاریای جهانی بسوزد و نابود گردد. اسامی مادر خرابی به استقبال برگزار اول ماه مه میرویم که در کشور خودمان رژیم کشتار و سرکوب جمهوری اسلامی در طول دو سال حاکمیت سنگین مجموع بسیاری کارگران و ادوکارخانه ها و حتیانه کشتار نموده است و هنوز چند روزی از تکرار تهدیدات رژیم نگذشت

علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده ها!

کمک مالی

۷۰۰ ریال	ب. ف	۱۰۰۰ ریال	م - ع	۴۰۰ ریال	د. ۲۱	۵۰۰ ریال	شهران
۲۰۰۰ ریال	ب. ت	۱۰۰ ریال	س - م	۲۰۰ ریال	رامین	۶۰۰ ریال	ک. همد
۲۰۰۰ ریال	ب. ا			۴۰۰۰ ریال	اکبر	۳۵۰۰۰ ریال	سرمین - ۲۷
۲۰۰۰ ریال	ب. ز			۳۰۰ ریال	م. ۲۰	۳۵۰۰۰ ریال	د. د. غرب
۲۰۰۰ ریال	ب. د. م			۲۵۰ ریال	مجید	۲۰۰ ریال	س. ش
۲۰۰۰ ریال	ب. ع			۱۵۰۰۰ ریال	رویا	۹۰۰۰ ریال	م. ک
۲۰۰۰ ریال	ب. ج			۱۰۰۰۰ ریال	ظا	۱۰۰۰ ریال	م. ج
۲۰۰۰ ریال	ب. پ			۳۰۰ ریال	هسته گهرپور	۵۰۰ ریال	ملیحه اولیا همناسی
۲۰۰۰ ریال	ب. الف			۳۰۰ ریال	رفقای واحد محمود صدی	۳۰۰ ریال	شهره ۴ ساله
۲۰۰۰ ریال	ب. ج			۱۰۰۰۰ ریال	رفقای توربوع غرب	۵۰۰۰۰ ریال	کمک مالی ساغر ان - سوروزی
۲۰۰۰ ریال	ب. ح			۱۰۰۰۰ ریال	رفقای توربوع غرب	۵۰۰۰۰ ریال	رفیق شهلا (همراه با نام)
۲۰۰۰ ریال	ب. ن			۲۰۰ ریال	رفقای توربوع غرب	۱۰۰۰۰ ریال	رفیق مرجان
۲۰۰۰ ریال	ب. ف			۳۰۰ ریال	رفقای توربوع غرب	۱۰۰۰۰ ریال	رفقای جمع ۳ زکرج
				۲۰۰ ریال	رفقای توربوع غرب	۱۸۳۰۰ ریال	الف ۵
				۳۰۰ ریال	رفقای توربوع غرب	۴۵۰۰ ریال	م. ط
				۱۰۰۰۰ ریال	رفقای توربوع غرب	۱۲۰۰ ریال	ن. ر. (سریاز)
				۱۵۰۰۰ ریال	رفقای توربوع غرب	۵۰۰۰ ریال	رفقای هوا دار دبیرستان ارشد
				۱۵۰۰ ریال	رفقای توربوع غرب	۱۵۰۰ ریال	۱۰۰ ش
				۲۰۰۰۰ ریال	رفقای توربوع غرب	۳۵۰۰ ریال	م. م. ۱۲۵۰
				۱۵۰۰۰ ریال	رفقای توربوع غرب	۱۶۰۰ ریال	هسته رفیق محمود
				۶۰۰۰ ریال	رفقای توربوع غرب	۵۰۰ ریال	فرهاد
				۵۵۰۰ ریال	رفقای توربوع غرب	۱۰۰۰ ریال	غزاله الف
				۳۰۰۰ ریال	رفقای توربوع غرب	۶۰۰۰ ریال	رفقای جمع صفحه بستنی
				۲۵۰۰۰ ریال	رفقای توربوع غرب	۳۱۰ گس از مدرسه ایست	
				۳۰۰۰ ریال	رفقای توربوع غرب	۲۰۰۰ ریال	د. د. غرب
				۷۰۰ ریال	رفقای توربوع غرب	۶۰۰۰ ریال	د. د. غرب
				۲۰۰۰ ریال	رفقای توربوع غرب	۵۰۰۰ ریال	د. د. غرب
				۲۰۰۰ ریال	رفقای توربوع غرب	۳۰۰۰ ریال	د. د. غرب
				۲۰۰۰ ریال	رفقای توربوع غرب	۵۰۰۰ ریال	د. د. غرب
				۲۰۰۰ ریال	رفقای توربوع غرب	۱۰۵۰۰ ریال	د. د. غرب
				۲۰۰ ریال	رفقای توربوع غرب	۲۰۰ ریال	د. د. غرب

کمک مالی سلول مسعود مالی راد

۱۰۰۰ ریال - ملیحه

۱۵۰۰ ریال - راضیه

۲۰۰۰ ریال - ملیحه "د"

۵۰۰ ریال - شهری ۱۲ - ش

۵۰۰ ریال - رشت

۵۰۰ ریال - بابک

۵۰۰ ریال - کرمانشاه

۵۰۰ ریال - ن. ی

۶۰۰ ریال - بوجود

۲۰۰ ریال - هسته آلدپوش

۲۰۰ ریال - رفیق م. پ

۲۵۰ ریال - تبریز

۲۵۰ ریال - ر. ب (همراه با نام)

۱۵۰۰۰ ریال - آمریکا

۱۵۰۰۰ ریال - ا. ل. م. ا

۲۰۰۰ ریال - شوش

۲۰۰۰ ریال - اتحادیه دانشجویان و محصلین

۲۰۰۰ ریال - برای درامشو - شوش

۲۶۰۰۰ ریال

۲۱. د

۲۰۰ ریال

۲۰۰۰ ریال

۲۳۰۰ ریال

۱۰۰۰۰ ریال

۱۵۰۰۰ ریال

۱۰۰۰۰ ریال

۱۸۳۰۰ ریال

۴۵۰۰ ریال

۱۲۰۰ ریال

۵۰۰۰ ریال

۱۵۰۰ ریال

۳۵۰۰ ریال

۱۶۰۰ ریال

۵۰۰ ریال

۱۰۰۰ ریال

۶۰۰۰ ریال

۳۱۰ گس از مدرسه ایست

۲۰۰۰ ریال

۶۰۰۰ ریال

۵۰۰۰ ریال

۳۰۰۰ ریال

۵۰۰۰ ریال

۱۰۵۰۰ ریال

۲۰۰ ریال

۵۰۰۰ ریال

دشمنان انقلاب باقیم آری (ما - سوی

آرادی طبقه کارگر بیکار میکنیم -

بکوشیم این روز راه عرصه ای دیگر برای

این بیکاریدل سازیم. دست همه رفقا را

در این بیکار و برپایی با شکوه عیسید

خونین کارگران جهان می فشاریم!

زنده باد اول ماه مه! زنده باد

کمونیسم!

زنده باد بیکار توده ها بر علیه

رژیم جمهوری اسلامی!

برقرار باد جمهوری دمکراتیک

خلق

سلبیتی به استقبال چنین روزی برویم.

بکوشیم اول ماه مه را هر چه با شکوه تر

برگزار کرده و لرزه براندام روزی -

جمهوری اسلامی اندازیم. بکوشیم

حیانت های رویزونیست های حروجهایی

و سبج های و ... را برای کارگران به

درستی تومیح دهم. بکوشیم ما هیج رژیم

جمهوری طلسمی و قدرت پرستان طبقه

کارگر و جمهوری دمکراتیک خلق را سلب

و تومیح دهم. و به یک کلام بکوشیم

در این روز نمونه تمام عباریک جنگجوی

بلشویک در حدال با بورژوازی و سایر

اول ماه ...

است که "هرگونه اعتصاب و کمکاری در کار -

خانه ها بشدت ترکوب میشود" (انتقل به معنی

از اطلاعیه اخیر دادستانی)

آری! اینک چنین رژیم جنایتکاری که

دشمن تا مرفق به خون کارگران زحمت -

کشان و خلقهای ایران آغشته است بی -

ادعای برگزاری مراسم اول ماه مه را

دارد و همچنین رویزونیست های خیانتکار

"توده ای" و "اکثریتی" و ...

بکوشیم با بیشترین نیرو و توان

وحشت ارتجاع از سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

دانش آموزان انقلابی و مبارز گیلان ۱
روزی نیست که ارتجاع حقوق دموکراتیک
سک توده های دانش آموزان را برپا نهند
دست به سرکوب جنبش دانش آموزی نزنند.
هر روز ما شاهد مبارزات وسیع دانش آموزان
برای کسب آزادی فعالیت سیاسی - عدم
اخراج دانش آموزان کمونیست و انقلابی -
ایجاد شوراهای واقعی و ... میباشیم.
و هر جا که رهبری جنبش دانش آموزی در دست
کمونیستها بوده است وحشت ارتجاع
را بیشتر برانگیخته و همین خاطر رئیس
آموزش و پرورش اتریش او حکمیری جنبش
دانش آموزی میگوید: " بعد از سرزده بدر
کمونیستها (و بویژه بیکاری هارا) از
مدارس اخراج میکنیم "

چو ارتجاع از هواداران سازمان بیکار
اینهمه واهمه و وحشت دارد ؟
ارتجاع قبل از هر چیز از خط مشی سازش -
ناپذیر سازمان مادر مبارزه رژه بر
سرمایه داران و قاطعیت سازمانها در
دفاع از حقوق کارگران دارد ؟
و آرتجاع که خط مشی سازمان هر روز در
سمان کارگران و دانش آموزان بیشتر جا
باز میکند و برخورد تابه یک نیروی مادی
تبدیل و جریان اجتماعی تبدیل شود.
به همین خاطر ارتجاع با کشتار و شکنجه و
دستگیری و اخراج رفقای بیکارگرها
میخواهد جلوی سررو برد جنبش او بگیرد -
نده توده های را بگیرد . ولی ارتجاع کور
خوانده است ، هر رفیق از ماکه شهید
گردد ، هر رفیقی از ماکه دستگیر گردد ، هر
هواداری که از مدرسه اخراج میشود ، فشی
سازمان بیش از پیش در درون توده ها
جای میگیرد .

زننده با د آرمان سرخ سازمان
بیکار در راه آزادی طبقه کارگر ؟
برقرار باد جمهوری دموکراتیک
خلقی !
نا بود با ارتجاع ؟
سازمان دانشجویان و دانش

۶۰/۱/۱۸ آموزش بیکار - گیلان

توطئه های رنگارنگ رژیم بر علیه استادان انقلابی و مبارز همچنان ادامه دارد

به لست اخراجیون دانشگاه ها با کمپانی
که کارشان تطبیق شده با حقوقشان
قطع شده ، تهدید نامه گرفته اند و با
ممنوع ورود به دانشگاه شده اند بر همه
این واقعات مهر نائید است . بسیاری
مثال در دانشگاه علم و صنعت حدود ۱۰ نفر
با کمپانی شده اند که چندین استاد متعهد
و مبارز در میان شان دیده میشوند . در
دانشگاه پلی تکنیک حدود ۳۰ استاد تعطیل
شده اند که عمدتاً انقلابی هستند . در
دانشگاه مشهد حقوق ۱۳ نفر از اعضاء
هیات علمی بدون دلیل قطع شد و جز چند
ساواکی که در میان آنها هستند بقیه
استادانی مبارز میباشند . در دانشگاه
صنعتی ۱۴ نفر از استادان که همگی
افرادی مبارز بوده ممنوع ورود شده اند -
ند . همچنین در این مدت چند ماه پیش
از هزار استاد قراردادی " از دانشگاه ها
و مدارس عالی اخراج شده اند .

در دانشگاه صنعتی شریف بسیاری
ارباب استادان مبارز که در مقابل
اعمال رژیم شدیداً مقاومت میکنند
حقوق اکثر آنها (حدود ۹۰ درصد) را قطع
کرده اند .

آنچه امروزه در سخنان و عملکردهای
سران رژیم و سرمداران ضد انقلاب فر -
هنگی بچشم میخورد اینک آنها تحت
عنوان نیاز به استادان متخصص قصد
آن دارند که برخی از استادان را بیکار
گرفته و از تخصص آنها در خدمت تطبیق
سیستم سرمایه داری وابسته استفاده
کنند . اما شرطی که همچنان بیکاران
بر آن ایستاده اند همان شرط انقلابی
نبودن ، مبارز نبودن و در مقابل رژیم
عملکردهای ارتجاعی اش سر تسلیم و تکریم
فرود آوردن است .

خیمینی در سخنانش خطاب به استادان می -
گوید : بقیه در صفحه ۶

بیکمال از برای افتادن توطئه
" ضد انقلاب فرهنگی " میگذرد . در این
مدت بیکال استادان انقلابی و مبارز
دانشگاه ها در شرایط نبود دانشجویان
انقلابی و همه بودن دانشگاهها بسرو
آنها تحت فشارها و اجافات شدید قرار
داشته اند

با برای افتادن " ستاد انقلاب فرهنگی "
و تشکیل " جهاد دانشگاهی " که ارتقاها
دقیقاً در خدمت اهداف ارتجاعی همپون
شناسایی دانشجویان انقلابی - اخراج
استادان مبارز و حمله به خوابگاه ها
سرکوب شوراهای واقعی دانشجویان و اساتید
انقلابی ... هستند بایک تهاجم
سریع و وسیع موجی از اخراج و تعطیل
استادان انقلابی را برای انداختن
لیست های اخراجی دانشگاه های مختلف
در این رابطه خودگویای وسعت عمل
ارتجاعی آنهاست .

واضح است که رژیم در این مورد برای
لوث کردن چهره استادان مبارز و همطراز
کردن آنها با عناصر مرتجع و ضد انقلابی
وساواکی و ... به شیوه های مختلفی
دست زده ، و از جمله آنکه معمولاً
در لیست اعلام شده استادان مبارز و اخراجی
نام چند استاد ساواکی آبرورفته و رسوا
شده را که از قبل از جانب شوراهای
واقعی دانشگاهی حکم اخراج صادر
شده نیز به لیست میافزاید و بدین
ترتیب سعی در مخدوش کردن موزانقلاب
و ضد انقلاب دارد . اما آنچه جالب
توجه است اینکه استادان ساواکی و
مرتجع اسلام آورده در اکثر ارگانهای
رژیم بیکار گرفته شده اند و استادانی
که امروز اخراج میشوند اکثریادلیل
انقلابی بودن و مخالفت با اقدامات ارتجاعی
تجاری رژیم جمهوری اسلامی و غیر مکتبی
بودن و ... اخراج میگردند . نگاهسی

با تداوم مبارزه برای بازگشایی دانشگاهها راه سرخ شهدای اول اردیبهشت را ادامه دهیم

لیسم تعلق داشته باشد و حال آنکه آن نیرو بی که خواهان وحدت با کشورهای سوسیالیستی و با پرولتاریا و نمایندگان را شینش کمونیستها نبوده و حتی به شدت ترین لحنی مدتهاست، نه در اردوی سوسیالیسم، که در اردوی مقابل جای دارد.

رد راه سوم

ضرورت آلترناتیو کمونیستی

بالاخره اگر وجود دو اردوگاه را قبول کنیم نمیتوانیم نظراتی که به تبلیغ "راه سوم" پرداخته اند را بپذیریم. اگرچه آن دو اردوگاه فوق تقسیم شده است و هر نیرویی با همین و یا به دیگری تعلق دارد، بنا براین تنها آلترناتیو - هایی که میتواند در پیش روی جوامع مختلف قرار گیرد، آلترناتیوهای ایمن دو اردوگاه بوده و هیچگونه "راه سومی" وجود ندارد. حال این "راه سوم" میخواهد تحت عنوان "کشورهای غیرمتعهد" مطرح شود و یا بنام "راه رشد غیر سرمایه داری" و یا حتی "جامعه بی طبقه توحیدی" و... هیچکدام از این نظریه ها نمیتوانند "راه سوسیالیستی" مستقل از دو اردوگاه مزبور ارائه دهند و به همین دلیل هم هست که تنها دو آلترناتیو در پیش روی جوامع قرار دارد. آلترناتیو بورژوازی و امپریالیسم و آلترناتیو پرولتاریا و سوسیالیسم. اینجاست که با رد دیگر ضرورت عمومی طرح آلترناتیو کمونیستی، بعنوان تنها راه گشای انقلاب توده های و تنها آلترناتیو انقلاب بسوی پیروزی نهایی، نمایان می گردد.

بدو اردوگاه که در سوسیالیستهای سوسیالیستی، پرولتاریای کشورهای امپریالیستی و خلفهای تحت ستودنی دیگری امپریالیسم و ارتجاع قرار دارد. تقسیم شده است و بین این دو اردوگاه تفاذاتی تا پذیرا کم است نسبی - توانیم بپذیریم که نیرویی در هر دو اردوگاه حضور داشته باشند. یعنی هم متعلق به اردوگاه خلفهای تحت ستما شد و "مسد" امپریالیست یا شود هم متعلق به اردوگاه نیروهای ارتجاعی. اگر قبول داریم که پس از آنکه کشور شوروی با به عرصه وجود گذاشت و روسیه سابق به اشغال شوروی مبدل شد، دیگر سرمایه داری جهان نشمول باقی نماند. جهان بدو اردوگاه تقسیم گردید. اردوگاه امپریالیسم و اردوگاه مبارزه علیه امپریالیسم. (استالین - گزارش سیاسی به کنگره چهاردهم حزب کمونیست ۱۹۲۵) بنا براین نمیتوانیم قبول کنیم که رژیم هم "مبارزه علیه امپریالیسم" بنام بدو هم در اردوگاه مقابل (امپریالیسم و ارتجاع) قرار داشته باشد و بنا براین نادرست بودن تزهایی چون "فدخلق - فدا امپریالیست" بیرونی مشاهده میگردد. سرانجام در صورت قبول تقسیم جهان بدو اردوگاه، نمیتوانیم به رد نظریاتی چون "شکمونیت - فدا امپریالیست که زمانی از سوی مسلمانان چریکهای فدایی خلق مطرح می شد، (قبل از اشغال - مقاله "نه تا کتیک در بر خورده بورژوازی") رژیم پسرا که آن نیرویی که فدا امپریالیست است، نمیتواند شکمونیت هم باشد، بلکه با بستی به اردوگاه سوسیالیستی

بقیه از صفحه ۸ دو اردوگاه... جمهوری اسلامی، "فدخلق - فدا امپریالیست"، "شکمونیت - فدا امپریالیست" و... بودن آن و یا هر رژیم دیگری بنا بر این جزو ضایعات است که این تزها از جوانب گوناگونی قابل رد است که ما در اینجا صرفاً به جنبه ای از آن میپردازیم. اگر قبول داریم که جهان به دو اردوگاه تقسیم گشته پس هیچ رژیمی نمیتواند خارج از این دو اردوگاه و مستقل از آنها زندگی کند هر رژیمی یا متعلق به اردوگاه سوسیالیسم و انقلاب و جنبشهای رهایی بخش است و یا اردوگاه امپریالیسم و ضد انقلاب پس روشن میشود نیروهای "جوان" "راه کارگر که از سویی دماز "ارتجاعی" و "فد خلقی" بودن رژیم جمهوری اسلامی میزنند و از سویی دیگر از "استقلال" آن نسبت به امپریالیسم صحت می بینند چرا که اعتراف اپورتونیستی ای میباشند رژیم که در اردوگاه انقلاب و سوسیالیسم جای ندارد نمیتواند در اردوی امپریالیسم قرار نداشت و طبیعتاً آن وابسته نباشد و "استقلال" او بنا بر این در چارچوب صحت جهانی امپریالیستی معنا میدهد. به همین دلیل نیز هست که ما علی رغم اینکه برای رژیم فد خلقی جمهوری اسلامی نقش کارگزاری و مزدوری برای یک رشته انصارات صفین قائل نیستیم، اما وی را دارای استقلال سیاسی نسبت به سیستم امپریالیسم نیز فکری دانیم و برای او استقلال نسبی در چارچوب اردوگاه امپریالیسم و طبیعتاً مناسبات امپریالیستی قائلیم. همچنین با زهم اگر میپذیریم که جهان

میکند. "امپریالیست" با نفوذ آن خط خود را پیش میبرند. ابتکار را عمل از دست انجمن های اسلامی خارج میشود و امپریالیست رهبری سرکوب را در دست میگیرند. شورای انقلاب در ۳ فروردین اطلاعیه صادر میکند که ستادهای عملیاتی گروههای گوناگون دفترهای فعالیت که در دانشگاهها و دانشکده ها و موسسات آموزش عالی مستقر شده اند، در ظرف سه روز از صبح شنبه (۳۰ فروردین) تا پایان دوشنبه (۱ اردیبهشت) برچیده شود. (اطلاعات ۳ فروردین ۵۹) بنی صدر اعلام میکند که در دوم اردیبهشت به همراه شورای انقلاب در دانشگاه حضور

های انقلاب و سنگرهای آزادی دفاع نمایند. جمعیت کشوری در خیابان ۱۶ آذر (خیابان مقاومت) در تهران جمع میشوند. در شهرستان ها همه در تدارک مقاومت هستند. رژیم حاکم از این روحیه مقاومت جويا نهادنشویان و توده ها، از این شور و عشق به سنگر آزادی هراسناک میشوند. شش رسوایی آن در سرگشور، سرسر هرکوی و ببرزنی بصدا در میکند. آری ارتجاع کور خوانده است. او به خیال خام خود اندیشیده که میتواند توده های آشنا را با توده های نا آشنا در یک جا رهبری آنان ممانده. اختلافت را کنار بگذارد. و این چنین هم میشود. شورای انقلاب خود را جلوه از حرکت

بقیه از صفحه ۲ بر مقاله... منتخب و قانونی مردم که کسی جز بستی صدر و همپایانگانش نیست بدست گیرند. آری دست جنا بیکاران جمهوری اسلامی رو میشود. هم "حزبی"، هم "امپریالیست" میخواهند این آتشگاه شعله ور آگاهی را تسخیر نمایند. هر یک میخواهند خود "رهبری" سرکوب دریا - پس را بدست گیرند تا سهم بیشتری را در بالا بخود اختصاص دهد. دانشجویان انقلابی و کمونیست و مردم آگاه و وزعتکنی که از این توطئه ارتجاعی آگاه میشوند در سر سرگشور در دانشگاهها اجتماع میکنند و تصمیم میگیرند تا با مقاومت در برابر پیروزی ارتجاع از این گان -

گزارشی از پوش مغول و ار مزدوران رژیم جمهوری اسلامی به زحمتکشان "گرمدره"

هر روز که از خاکسبت سیاه رژیم جمهوری اسلامی صبری میشود ، توده‌ها به تجربه در میمانند و درس میگیرند که رژیم حامی "مستغنیین" تنها در حرف برای دغفکاری و فریب مردم از آن دم میزند و در کردار و عمل جز قسطی ، بیکاری ، گزافی ، گلوپله ، سرکوب و ایجاد رعب و وحشت از میان دیگری ندارد .

حوادث "گرمدره" نمونه خوب و باارزی است از سرکوب عریان و افشارگسیختگی رژیم .

روز هشتم ۲۷ فروردین رژیم ستم و سرمایه علیه خواستهای حق طلبانه و مبارزه جوانان توده‌ها بوق آما و مغولوار ، بولندوزرها پیش رانیه راه انداخت و با سدا - ران را بغلته‌های توده‌های زحمتکش کینه اغلب کارگرها کارخانه‌های اطراف تهران و کرج میباشند ، سبانه حمله ور شدند و آلبونک‌ها ایشان را بر سرشان خراب کردند . توده‌ها بیگانه جوانان به مقابل با پاسدا - ران پرداختند . و در حرکات تعرضی و افشا - گرانه برای سردهیکه از جاده عبور میکردند به افشاگری اعمال تنگی - جزو جنایتکارانه رژیم جمهوری اسلامی مبادرت ورزیدند .

پاسداران بیش از ۴۰۰ تن از اهالی زحمتکش را بازداشت نمودند . پاسداران نه تنها در سطح وسیع دستگیر کردند بلکه با گلوله‌های آمریکایی و گاز اشک آور ، توده‌های تحت ستمی را که برای احقاق حقشان به مدایشان برافراشته بودند ، با سب میدادند که در نتیجه تعداد زیادی از مردم مجروح و زخمی شدند .

زمینهای گرمدره بقول اهالی آنجا متعلق به هویدا ، اشرف و ... بوده که فعلا دولت جنایتکار جمهوری اسلامی آنرا تصاحب کرده است . مردم زحمتکشی زمین

ها را با قیمت‌های متفاوت از زمینخواه - ری به اسم "ناصر افشار" خریداری کرده‌اند و با قرض و قوله و هزار در دستگیر و بدبختی و فروختن فرش و ... بساختن سرپناهی برای زن و بچه‌شان ، مشغول شده‌اند . با مردم گرمدره که صحبت کنسی فوراً ، بعد از اینکه فهمیدند که پاسدار نیستی ، رگ و پوست کنده و بی هیچ واسطه و تری شروع به افشای رژیم مینمایند و چه خوب هم کل رژیم را زیر تا زبان میگیرند . نقل ماجرا و بازگفتن حتمات سبانه و ددمنشانه پاسداران از زبان مردم و مقاومت سرخسبانه شان شنیدنی است .

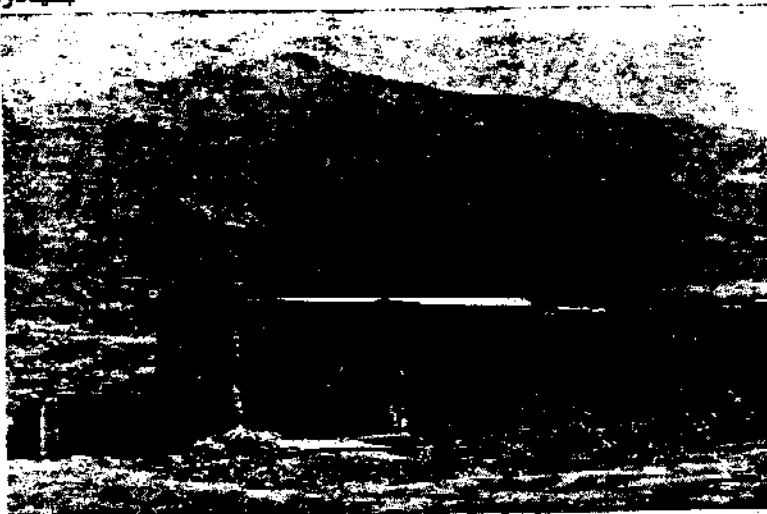
یکی میگوید زخم حمله بود از سر و صدای بولدوزر و بیگیر و بسند پاسداران و رگسار گلوله‌ها ، وضع حمل کرد . دیگری از دستگیر و زخمی شدن زینش ، پدرش با شوهرش سخن میگوید . کودک کوچولویی تا مارا دید بازبان الکن کودگانه اش گفت : پدرم و مادرم را پاسداران گرفتند . و بعد بوقه های گلوله را که با آنها بازی

میکرد ، نشانمان داد . آری ، در رژیم کشیف جمهوری اسلامی حتی کودگ خردسال هم مزه تلخ جور و ستم را احساس میکنند و از همان اوان میفهمند که در رژیمهای سرمایه داری ، حالات تحت لوای مراسم و آب و رنگی که باشد ، فرقی نمیکند ، هر صدا و حرکتی را که بخواید به مالکیت دولتمردان "تجاوز کند جز با دیکتاتور و اعمال دیکتاتوری با ستمی ندارند که بدهند .

یکی از اهالی که چنین و چو رگ صورت و دستهای بیسته بسته اش حاکی از ابلهها رنج و زحمت و کما ر بهر مشقت کارگری بوده ، با زبان فارسی شکسته بسته ، آسبخته به آذری گفت : آری ، آقا مثل زمان شاه ملعون آمدند و وحشیانه حمله کردند دسته دست مردم را مثل گوسفند سوار ما شستن باری کردند و بردند . عجب زندگی سباهی - امانه ، بالاخره روزی میرسد که چشم ما بدل به عیاشی عظیم میشود که میگو کسی را توان مقابل با آن توان دارد . کارگر جنرال موتورز هتم ، بعد از کشتهای بیگاری و ایندرو آن در زدن تازه مشغول کار شده ام .

و در آنجا تحت فشار طاقت فرمای کار و اینجام که میخواهیم قدری استراحت کنیم ، را حضان نمیگذارند . آقا ، مردم تحت هیچ قیمتی ، حتی اگر بسا از دست دادن جانشان همراه باشد ، حاضر

بفیه در صفحه ۱۸



محصل مبارز ، دانشجوی مبارز ، پیش بسوی پیوند با مردم زحمتکش

بقیه از صفحه ۱۶ - مقاله ...

خواهد یافت و سخنرانی خواهد کرد.

و این چنین یورش به دانشگاه آغاز میشود. در سرا سرکشوران شمال تا جنوب از شرق تا غرب با سواران و اوباشان جمهوری اسلامی با گلوله و جفاق و قهقرو... بدانشگاهها حمله میکنند. مقامات در همه جا شکل میگیرند. دهها کشته و صدها زخمی و بسیاری دستگیری بر جای میماند.

رژیم حاکم پس از فتح "دانشگاهها بسته تیربازان دانشجویان انقلابی مسی - بردارد. رفا، مودسیا، شوختریا و فرامرز حمیدها و معتدلیها در عرض چند هفته اعدام و سرور میشوند. دانشگاهها منجم میشود و بنی مدرجی استکار بر سر اجساد شهیدان در دوام ردهیست در شهران مانده فریاد میزند: "امروز روز بزرگی در تاریخ است. ما است که ما کمیت شما از طریق شورای انقلاب به گرسی می نشیند" (کیهان - سهشنبه دوم اردیبهشت ماه ۵۹)

خامنه‌ای در نماز جمعه ۱۰ اردیبهشت اعلام میکند "شورای انقلاب تصمیم گرفته است که دانشگاهها را بعنوان مقدمه از گروههای مغرب و مفره انگیز پاک کند". آری این "مقدمه" ای بوده است برای بستن درب دانشگاه و به گمان خویش خا - موش ساختن اخگرهای شعله ور دانشگاه آزادی و آگاهی. بعد از آن رژیم حاکم اعلام میکند که دانشگاهها از ۱۵ خرداد تعطیل خواهند بود و بنا به نام رساندن "انقلاب فرهنگی" باز نخواهد شد. آری جلادان جمهوری اسلامی به نام "انقلاب فرهنگی" دانشجویان را باخاف و خون میکشند دانشگاهها را از استادان و کارکنان انقلابی و کمونیست تشویه میکنند. مزدوران و کارگزاران خود را بجای آنان میبشاند "ستاد فرهنگی" تشکیل میدهند تا در پوشش "انقلاب فرهنگی" دانشگاهها را از وجود انقلابیون و کمونیست ها پاک کنند تا به این وسیله ها کمیت خود را بی دغدغه بزرگوارانما پند آسان خوش بینانه تصور میگردند که میتوانستند "سال امنیت" خود را با سرکوب و کشتار ریه با بیان رسانند. اما اینک که در مقابل مقاومت و تعرض توده‌ای رژیم حاکم به عقب زانده شده است، "سال امنیت" و "سال رسوایی هر چه بیشتر جمهوری اسلامی شده است، میخورد هدستان خون آلودش را بشوید و بر جریات خویش آب تپهر فرویزد.

بنی مدرا اعلام میکند "من غلط کردم کسه گفتم دانشگاهها باید بسته شود (انقلاب اسلامی ۵۹/۱۲/۱۶).

خمینی که روزی میگفت: "دانشگاهها از بعد عوשה‌ای هم خطرناکتر است امروز میگویند: "ما و جمهوری اسلامی و اسلام پشتیبان دانشگاه هست پشتیبان دانشگاه همان هست پشتیبان اسلامی که برای اسلام و برای کشور زحمت میکشید هست، پشتیبان تخصصی - فاست آن چیزی مسلما باید باشد فقط آن است که بحواله توطئه‌ها را خدای بخواند. من در دانشگاهها مان بپرند" (جمهوری اسلامی ۲۵ فروردین ۱۳۶۰)

و با دریا منوروری اش میگوید "شورای انقلاب فرهنگی لازم است دربار زدن دانشگاهها در این سال خدا علای سوان خود را کار بریزد.

خمینی فراموش کرده است که در او احرار آدرما سال گذشته در مورد دانشگاه گفته بود: "ما مگر بدیدید که آنوقت که دانشگاه با زیود چه فساد بود. دانشگاه دستگیر بود برای کمونیستها و اتاق جنگ بود برای کمونیستها".

و با اینکه "خطر دانشگاه از خطر بهمن خونه‌ای هم بیشتر است" (همانجا)

او که امروز به این فکر افتاده که... لیبرالها هم بد نمیگویند و فضا را بهر است مسئله را از دانشگاه بعنوان سنگرمه از آزادی و انقلاب به انحراف کشانده و روی "تخصص" بپریم فراموش کرده که در روز میگفت "... تا ما این معیشتها که برای بشر پیش آمده است ریشه‌اش از دانشگاه بوده ریشه‌اش از این تخصصهای دانشگاهی بوده (همانجا).

این دقیقاً به ما هیت طبقاتی و به سنا ق طبقاتی آنان بستگی دارد آنان از یک طرف تحت فشار توده‌ای دیگر نمیتوانند همچون سال گذشته "سال امنیت" گذاشتی به حکومت سنگین خویش ادامه دهند و ناچار به عقب نشینی هستند و از طرف دیگر سیستم گندیده سرما به داری وابسته احتیاج فوری و فوری به متخصصانی دارد که آنرا با زسازی نمایند. آری علت واقعی اینکه آنان خواهان بازگشایی دانشگاه هستند در ارتباط تنگ با ما هیت و سنا ق طبقاتی آنان است. آنان اینک حکومت خویش را در لایه پرنگاه میبینند پس به لبها - سی دیگر در میآیند تا دوباره بر آماج خود

شان توده‌ها سوار شوند. دست همه جا بستگار - ان جمهوری اسلامی در نزد توده‌ها هر روز بیش از پیش رو می شود و کوس رسوایی آنان بر سر هر کوی و برزی به داد در میآوردند. توده‌های آگاه و رحمتکش خواهان بار - گشایی دانشگاهی هستند که در آن همچنان - اخگرهای آگاهی و آزادی فروزان باشد. به دانشگاهی که در آن "توطئه" (توطئه‌چوون فعالیت ساسی) باشد.

آنان اینک فریاد میزنند "دانشگاه این سگر آزادی بهمت توده‌ها آزاد با بسته کردد".

ما نیز خون سرج نهادی اول اردیبهشت و با برتهدای دانشگاهها سوگند یاد میکنیم که ما رسیدن به آنان، که آزادی برای رحمتگان، بر فراری جمهوری دمکراتیک خلقی از بیکار خویش بازناستیم و انتقام خون آنان را از جلادان شان بگیریم.

درود بر همه شهیدان انقلابی و کمونست بخون هفته دانشگاه دانشگاه این سگر آزادی بهمت توده‌ها گوشه باید گسردد بر فراریا جمهوری دمکراتیک

زنده باد دوسیا لیبیم
سازمان دانشجویان و دانش آموزان
بیگار - ۱۳۶۰/۱/۲۷

بقیه از صفحه ۱۷ - گزارشی ...

نیستند که آلتونکها بیان را ترک کنند. حتی اگر تمام خانه‌ها را بر سرمان بکوبند ما باز دوباره و دوباره آنرا میسازیم. زن زحمتکشی که شوهرش را با زدا داشت کرده بودند با بچه‌ای که به کولش بسته بود، خمسگین و فریادگونه داد میزدند: دیگران زمانها گذشت که غارتمان میکردند و ما جیک نسزدیم. الان چندی نشده که اعمال سرکوبگرانه و ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی را چشم میبینیم. از باز - آریها حمایت میکنند. و آنان را سرمدار انقلاب بحساب میآورند. کاری که اینها کردند روی هر رژیم جلادی را سفید کردند.



هیئت بررسی شکنجه، هیئت تطمیرکننده شکنجه

درحالیکه زندانهای رژیم حاکم از فرزندان انقلابی و کمونیست خلق لبریز است، درحالیکه مدارک و سواهد اعمال شکنجه- های قرون وسطایی بارها از سوی نیروهای انقلابی و کمونیست پخش و افشاده است، درحالیکه هنوز سرنوشت بسیاری از اسیران - ان از جمله رفیق مصنف فاضل مبارز قدیمی و بار خلیق فلسطین نامعلوم است و جانشان در خانه های "امن" رژیم حاکم در خطر است.

درحالیکه رژیم حاکم تحت فشار اعتراضات توده ای و بینظور منصرف کردن مبارزان آنان و جلوگیری از سواشی بیش از حد خودچندی پیش هیات گزارشی بررسی "شایعه" شکنجه را تشکیل میدهد و حتی بسنظور فریب توده های یکی از شکنجه گران معروف خود (مانا اله صواب) را دستگیر کرده و "قربانی" "آبروی" بر باد رفته خود میبازد.

اما اینکه هیات پایان گرفته است. طرفداران "شایعه" شکنجه کلی هم طلبکارند. هیات بررسی "شایعه" شکنجه در گزارشی به مجلس (یکشنبه ۲۳ فروردین) درمباحثه سائکها (شنبه ۲۹ فروردین) ... میگوید "بعلت ایران میگوئیم که در ایران شکنجه نیست" و آنچه که در زندانها جریان دارد، افسار جمهوری اسلامی ایران است ("تاکید از ما است") آری! زمانیکه یکی از اعضای این هیات، بهارنی جهمی، نماینده فعلی مجلس که مدارک ساواکی بودنش بارها از سوی نیروهای انقلابی و کمونیست بویژه سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر افشاده است باید تکلیف هیات معلوم است.

آری! زمانیکه خمینی، کسیکه خود به اصطلاح "فرمان" تشکیل هیات بررسی شکنجه را میدهد میگوید "... بعضی از این

ها (کسانی که صحبت از شکنجه میکنند رفیق خودشان بیخوش میکنند و شکنجه میکنند برای اینکه بگویند شکنجه ما داریم" و یا اینکه "شما گرفتار جمعیتی هستید که خودشان را داغ میکنند تا گردن شما بگذارند" (جمهوری اسلامی پنجمین ۲۰ فروردین - توضیح و تاکید از ما است)

میباشی هم بهارنی جهمی، همکار قدیمی ساواک و نوکر حلقه بگوش کنونی رژیم حاکم چنین گزارش را "تقدیم" مینماید و خمینی بگوید: اما رژیم حاکم باید بدانند جنایاتش در زندانها و بیادگاهها با اندازه کافی کاشی در نزد توده ها افشاده است و اینکو-

نه عوام مغربیی دیگر شرمی ندارد. اما رژیم حاکم باید بدانند یک سازمان زحمتکشان برای آزادی فرزندان انقلابی و کمونیست خود، تا با زدن دوباره در زندانها بدست توانای آنان، همچنان ادامه خواهد داشت.

شنگ و نفرت بر عوام مغربیان و دروغگو بان جمهوری اسلامی! زندانی سیاسی انقلابی بهمت توده ها آزاد باید کرده! زنده باد پیکار توده ها بر علیه رژیم جمهوری اسلامی! سازمان دانشجویان و دانشمندان آموزان پیکار ۶۰/۱/۳۰

زینبی تدخلق و نلاورتهای دانش آموزان انقلابی



بقیه از صفحه ۲۰ اخبار ... طرف جهاد سه عده ای از استادان گفته اند که برنامه ای برای اینکه بتوانند دانشجویانیکه ۳۰ واحد از دروسشان باقی مانده است را فارغ التحصیل کرد، آماده نمایند. بدین ترتیب قرار است که ترم دوم از اردیبهشت ماه تشکیل شود و هریک از این عسکده فارغ التحصیل شوند. در مدارس عالی و دانشگاههای دیگر هم چنین صحبتها شده است. در پلی تکنیک هم گفته شده دانشگاه از اول مهر کلی باز خواهد شد بلکه ابتدای دانشجویانیکه ۳۰ واحد دارند پذیرفته خواهند شد، سپس ... آنچه در اینجا قابل توجه است اینست که رژیم قعد دارد به هم صورت شده دانشگاهها را تک و بصورت پراکنده و بسا ظرفیت محدود بیا زکند و بدین طریق از ورود دانشجویان انقلابی بدانگاه و گسترش مبارزات انقلابی دانشجویی طوکبیری کند.



موتک بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بمناسبت صد و یازدهمین سالگرد تولد نین (۲۲ آوریل - دوم اردیبهشت)



یاد داشته باشید، دوست بدارید و پیاموزید. ایلچ را،

آموزگار ما، پیشوای ما را.

پیکار کنید و در هم شکنید دشمنان داخلی و خارجی را بشیوه ایلچ

پای دارید زندگی نوین، هستی نوین و فرهنگی نوین را بشیوه ایلچ

هرگز از چیز کوچک چشم نهوشید، چون از خرد است که کلان برمیخیزد،

اینجاست یکی از مهمترین اندرزه‌های ایلچ

- ی. استالین -



**باز بودن مدارس و استفاده از
امکانات موجود در مدارس
در طول تابستان حق مسلم
دانش آموزان انقلابی است**

رژیم جمهوری اسلامی در هراس از حسن
دانش آموزی و فعالیتهای وسیع دانش
آموزان انقلابی و کمونیست بعد هر چه
زودتر به تعطیل کشاندن مدارس و انعام
کار آنها را دارد و میخواهد که هر چه زودتر
تعطیلات تابستانی مدارس را شروع کنند
دانش آموزان انقلابی و کمونیست باید ضمن
امتناع از این نوطه رژیم برخاستند تا از
بودن مدارس در طول تابستان و امکان
استفاده دانش آموزان انقلابی و کمونیست
از امکانات مدرسه با فشاری کرده و ایمن
خواست انقلابی و بحق خود را بیان کرده -
های دانش آموز ببرند .

با بیان به پیروزی راه سرخ
دانش آموزان انقلابی و
کمونیست

اومجدا به ستاد آمده است . اعضاء
هیات علمی که از پیش خبر آمدن آنها
را فهمیده بودند ، جمعی تشکیل میدهند
و از آنها میخواهند که به سوالات آنها
جواب داده شود . شریعتمداری و جلال
الدین فارسی از صحبت کنندگان اصلی
بوده اند . آنها ضمن تعریف از " جدی "
سرپرست انستیتی دانشگاه ملی ، بعنوان
فردی مکتبی ، میگویند با او اختلافاتی
هم دارند ، از جمله اینکه جدی
حقوق تعدادی از اعضاء هیات علمی
را قطع کرده است و " ستاد یون " با این
مسئله مخالفتند . نکته جالب توجه اینکه
آنها ضمن شعاردهی راجع به انقلاب
فرهنگی از موضع ضعف صحبت میکرده اند .
آنها بارها گفته اند که امام در مورد
امنیتهای شغلی استادان تاکید کرده است و
آنها حاضرند حتی معیشتی استادان
مخالف " انقلاب فرهنگی " را گوش کنند .
بالاخره گفته اند که اکنون تجدید
سازماندهی کرده اند و قرار است
دانشگاهها برای رسیدگی به مسائل سر -
کشی کنند .

بقیه در صفحه ۱۹

در مدرسه عالی شیران بطور سری و از

اخبار دانشگاهها

دراواخر اسفند بالاخره سرمدنداران
وروسای جهاد دانشگاهها ، سمیناری بر -
گزار میکنند . نکته جالب در این سمینار
این بود که مفاراشی بوده است بین
کسانی که میگفتند دانشگاهها را پیش
از این نمیتوان بست و کسان دیگر که
میگفتند دانشگاهها تا ایجاد دانشگاه
اسلامی باید بسته بمانند این امر
نشانه وجود شکاف در حزب بروسنگسور
دانشگاه است . و اینکه بازگشایی دانش
- گاه ها هنوزین بستی است برای رژیم
که خودنیرنمیداند چگونه باید از آن
رها شود .

شریعتمداری ، سروش ، جلال الدین
فارسی و حبیبی (۴ نفر از اعضاء شورای
انقلاب فرهنگی " روزه و شنبه ۱۷ فرورد -
ین به دانشگاه ملی میروند . حضور
حبیبی که قبلا از شورا عملا بیرون رفته
بود ، نشان میداد که در عضوگیری جدید

دانشجوی مبارز بیاری توده ها سنگ خود را نگشا